

انقلاب ایران در مقابله با تجاوز آمریکا - رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران بخش دوم - پاسخ به برخی مسائل حاد روز

امام خمینی:

امروز طرح‌هایی که اینها (دشمنان انقلاب) می‌خواهند پیاده کنند، از آنوقت شدیدتر است

\* من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود و هندارو مردم به پاسداران، قوای نظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته شود

تفسیری

پیرامون کارنامه ۴ ساله کار ترو نتایج انتخابات آمریکا

نامه



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۶۵ شنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۹، مطابق با ۲۹ دی‌ماه ۱۳۰۰، بهای: ۱۵ ریال

امپریالیسم آمریکا دشمن فعلی و همیشگی ما

امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را بنیان شیطان بزرگ و دشمن اصلی انقلاب و مردم ایران که همه بدبختی‌های ما از اوست و باید همه فریادهای ما بر سر او کشیده، نام بردماند و در مورد این امر که شاید آمریکا تا ۵۰ سال دیگر دست از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران برندارد، با مردم کشور ما هشدار دادماند. امام خمینی در سخنان اخیرشان هنگام دیدار با دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، بار دیگر از آمریکا به عنوان دشمن فعلی و همیشگی ما نام بردند.

دست از سر ما برندارد داشته. حجت‌الاسلام خوئی‌ها در سخنرانی بنسبت ۱۳ آبان در لانه جاسوسی، گفت: برادران و خواهران انقلابی و مبارز مسلمان! باید آرزو که شعار هرگز بر آمریکا از زبان ما نیفتد، تکند با شعار دیگر، جای شعار هرگز بر آمریکا را پر کنند... و تا ایران هست و تا اسلام هست و آمریکای جهان‌توار هست، بجز هم برای همیشه آمریکا دشمن ملت است. امام قنقلیا بسمت آمریکا باید نشانه برود. امام قنقلیا باید علیه آمریکا بکار گرفته شود.

انقلاب اکتبر و ایران توطئه مالکان بزرگ روحانی نمایان شکست خورد. هیئت‌های ۷ نفری نوبت شماست، عمل کنید!

درود و افتخار بر دانشجویان مسلمان پیر و خط امام که آغازگر فصلی درخشان از نبرد ضد-امپریالیستی مردم خود شدند

حرکت سیاسی نو و وحدت - آفرین که روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، با تصرف جاسوسخانه آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیر و خط امام آغاز شد، بازتاب حرکت ضد-امریکائی توده‌ها و تعلقه‌شنان پیکار ضد-امریالیستی مردم بود که با فریاد شمار «بعد از شاه نوبت آمریکاست» آماج نبرد آتی خود را، با هوشتندی نشانه رفته بودند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: باز هم با امریکامی جنگیم

زیرا آمریکا ظالم است، زیرا مستکبر است، زیرا جهان‌توار است، زیرا با اسلام مخالف است، با استقلال ملت ما و همه ملت‌های مستضعف مخالف است...

مواهل آمریکائی و بقایای پوسیده مزدور ساواک منحل هنوز هم در میان جامعه ما هستند که این سوال را مطرح می‌کنند که چگونه با آمریکا خواهد جنگید؟ بهزاد نبوی (وزیر مشاور در امور اجرایی): آمریکا خلیج عقبه اردن را در اختیار عراق گذاشته و شبانه روز در خدمت عراق است

توطئه‌ها وقتی قطع می‌شود که احسب بشود انقلاب ما شکست‌ناپذیر است، قدرشنداست. آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرایی در مراسم نماز جمعه دیروز دانشگاه تهران و پیش از شروع خطبه‌های نماز جمعه طی سخنانی نکات مهم را خاطر نشان کرد. وی از جمله گفت: همه مردم باید توجه کنند که صرف خودشان را کم کنند. وقت کنید برادرها! قریب‌هست چیزها داریم از خارج وارد می‌کنیم. اینروزها که بنادر مسان اشکلاتی در آنها پیش آمده، اینروزها که مسئله واردات مسئله نیازمان به وسائل حمل و نقل مطرح است، ما الان می‌فهمیم که تقریباً ما هر چیز را که می‌خوریم از خارج وارد می‌کنیم، هرچیز را که می‌پوشیم، از خارج وارد می‌کنیم. باید به این فاجعه‌یگریزی خانه بدهیم. کن بهترین شرایط است؟ همین الان، همین الان که ما خودمان را برای یک‌بارزه

خورشید و شقایق

خانات آبادان، آبادان که سراها سپر خلق منی خرم‌ساز، خرم‌شهر! - که چو بر جای بماند ایران- جان بکف رستم خونینه تنی! \* \* \* هم‌مدارید گسر شامگاهان پیر دشت شهیدان غفتند زود باشد که چو خورشید پدیدار شوند، یا به فصل دیگر چون شقایق بدل دامنه بیدار شوند. \* \* \* پشت هر بام و در و خانه و کوی پشت هر دار و درخت پس هن سنگ، سر کوی و کمر سنگر ماست. در ره خلق بجان می‌ریزیم، تن به تن می‌چنگیم، می‌رهانیم وطن را، که وطن مادر ماست \* \* \* کر در این جنگ که ما را با امریمن هست داغدار همه‌پاران خوش‌ایمان شده‌ایم؛ تقه‌همان در تک این تاریکی لای لا کوی شهیدان شده‌ایم؛ بار دیگر که برآیم سزا را با صلح بار دیگر که بسازیم ظفرمند سرود دست در دست و بهم‌پایانی آن توده که هست شادمان، از دل و جان، می‌فرستیم به پاران به خون غفخته درود. سیاوش کسرانی ۲۸ مهر ۵۹

رفیق سیمین سلامی زاده هنگام انجام وظیفه در جنگ عادلانه بر ضد تجاوز امریکائی صدام شهید شد

رفیق سیمین سلامی زاده، که بتوانم ضو گروه‌امداد در یکی از بیمارستانهای خوزستان کار می‌کرده هنگام انجام وظیفه در جنگ عادلانه برضد تجاوز امریکائی صدام علیه سیمین انقلابی ما بشهادت رسید. شهادت رفیق سیمین سلامی زاده را به بازماندگان رفیق شهید و همه رفقای حزبی سیمین تسلیت می‌گویم و تجدید بیان می‌کنیم که راه برانختارش را ادامه دهیم. جزئیات شهادت رفیق سیمین سلامی زاده و شرح زندگی و مبارزه وی بعداً به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



### پیروزی های چشمگیر جبهه آزادیبخش فراپوند و مارتین در السالوادور

جبهه آزادیبخش فراپوندو مارتین سازمان دربرگیرنده نیروهای چپالسالوادور، در چند روز اخیر پیروزیهای چشمگیری بر ارتش مزدور رژیم دستنشانده کشور بدست آورده است. در نواحی شمالی و مرکزی یک نیروی پنج هزار نفری ارتش، که برای سرکوب نیروهای رژیم دستنشانده مسلح اعزام شده بودند، شکستهای جدی متحمل شده و مقصدها عقب نشینی کردهاند.

جبهه آزادیبخش فراپوندو و مارتین اعلام کرد که مستازان آمریکائی رهبری نظامیان مزدور السالوادور را در این عملیات در دست داشتهاند. در نواحی آزاد شده شمال کشور دولت انقلابی تشکیل شده است.

از سوی دیگر گروههای راستگرای فاشیست در برابر گسترش مبارزه خلق به جنایات خود ادامه میدهند. در چند روز اخیر صد هفتاد نفر دیگر بوسیله نیرویهای راستگرای فاشیست، که از حمایت رژیم السالوادور و آمریکا برخوردارند، کشته شدهاند.

### امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱  
تخت و بخت منورشان را بهم زده هیچکس دیگری در ایران امروز منکر واقعیت های فوق الذکر، که از زبان رهبر انقلابی مسئولان متحد کشور بیان میشود، نیست.

امپریالیسم امریکا، چه هنگامی که دیروز کمتر در راس امور آن بود، چه فردا که ریگان می آید، بزرگترین دشمن خلق ما و همه خلقهای جهان، قلدترین غارتگرها، ماجراجوترین دشمن صلح و ستاد خونخوارترین و غارتگرترین و حیله گریترین خصم هر نوع اندیشه و استقلال و آزادی و شرافت و حیثیت انسانی خلقها و کشورهای جهانست. اما و اطوار دیمکراسی بازی که هر چند سال یکبار توپ قدرت را از یک حزب امپریالیستی به حزب دیگر امپریالیستی و پس از چند سال از این آخری به آن اول پس میدهند نیز خود یکی از مکانیسم های ایجاد و نگهداری این دستگاه قلدری و ماجراجویی و حیله گری و خونخواهی است. امپریالیسم امریکائی، همه ترین ستاد ارتجاع و ضدانقلاب سرتاسر جهان، سازنده و مدافع همه رژیم های ترابریست، ضدانقلابی، کودتائی، سیویتیست و قلدر دنیا، مرکز توطئه های ضدانقلابی، تهاجمات و تجاوزات به استقلال و حقوق خلقها و کشورهای پانجاهک زنهالبا و سلطانبنا و امپراطورها و پادشاهان ضدانقلابی سرپگون گشته و رانده شده، مرکز تجمع میلیاردها ثروت غارتی از پنج قاره جهان، نمونه کلاسیک کانتکتر بشام منا در مقیاس سرتاسر جهانست.

از آنروزی که امپراطوری انگلیس پشمتی ریخت و جای منحوس او را امپریالیسم تازه منقش آمریکا گرفت - بطور مشخص، پس از پایان جنگ دوم جهانی - با امروز در دنیا فاجعه ای در زندگی خلقها و کشورهای رخ نداده که امپریالیسم آمریکا در آن دست نداشته باشد. فلسطین، کره، ویتنام، کوبا، کنگو، مصر، آنگولا، اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر دنیا قربانیان کودتاهای تهاجمی، توطئه ها، تخریبات و فشارهای آمریکا بودند. ما مردم ایران از همان سالهای جنگ دوم جهانی با کارشناسان و مستازان و جاسوسان و کارگزاران آمریکا دوبرو شدیم. کودتای تنگین ۲۸ مرداد اسارت کشور ما در چنگال آمریکا را وارد مرحله جدیدی کرد و عملا کار استقلال و آزادی کشور ما بدست رژیم منفور پهلوی دستنشانده آمریکا بناپودی کشید. و با عمل چه رنج و هفتاب و به قیمت چه فداکاری و قربانیائی توانستیم رژیم دستنشانده آمریکا را سرنگون سازیم...

ولی از همان روز پس از پیروزی انقلاب تا امروز با توطئه های آمریکا دوبرو هستیم و تا روزی که نظام جمهوری اسلامی ایران آنتنان استقرار و ثبات و استحکام نیابد که خود بخود آمریکائی جباهنوار را با یس و نوییدی مواجه کند، توطئه های آمریکا علیه کشور ما همچنان ادامه خواهد یافت. چند ملت از جمله عدده خصومت مدام و آنتنی ناپذیر آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بقرار زیر است:

**اولا - جمهوری اسلامی ایران در آن منطقه جهان که باید آنرا کلید ذخایر نفتی خاورمیانه محسوب داشت، چون شمشیری بر رگ حیات کارتل بین المللی نفت قرار گرفته است و با همه گفتن در برابر این غارتگر بین المللی نفت یک دیدمته انقلابی ایجاد نموده که رهبای نوکران کارتلی را در منطقه بشورش علیه غارتگر جهانی و نوکران محلیش تشویق و ترغیب میکند. کارتل جهانی نفت تحمل یک چنین راه و رسم جدیدی را نمیکند و تا بتواند باز هم تحمل نخواهد کرد.**

لایا - جمهوری اسلامی ایران یک کشور سر و چند میلیونی را با اینهمه ثروت و امکانات شگرف از جنگ همه امپریالیستیا بدر آورده و اعلام نموده است که آنچه در ایران هست و مربوط به ایرانست، مال ایرانست. کم کردن یک چنین مبارزائی برای انحصارات امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی و ژاپن ضررت گنج- کنتدمایست و میتواند کشورهای همانند ایران را هم علیه این انحصارات بشورشاند.

### ماهیت دمکراسی نوع آمریکائی، باردیگر در انتخابات ریاست جمهوری آشکار شد

از سوی دیگر این واقعت جلب توجه میکند که ریگن تنها توانست است پنجاه درصد آراء شرکت کنندگان در رای گیری را بدست آورد. باتوجه به عدم شرکت بیش از نیمی از مردم در رای گیری، این نتیجه بدست می آید که حدود ۷۵ درصد مردم آمریکا مستقیم و غیرمستقیم، مخالفت خود را با ریگان اعلام کرده اند (البته کارتر هم برنده می شد، در اصل مساله تفاوت نمیکرد).

از این گذشته، در دمکراسی نوع آمریکائی تنها «فاندهنتر» می توانند از وسایل تبلیغاتی، که در دست انحصارات است، استفاده کنند که وابسته به یکی از دو حزب بزرگ بورژوائی کشور و یا بعبارت دیگر دستنشانده این انحصارات باشند و از بودجه گتئی برای تبلیغ برخوردار باشند.

### حل سیاسی «مسئله» افغانستان تنها از راه مذاکره میان این کشور و همسایگانش امکان پذیر است

روزنامه ایزوستیا چاپ شوروی اعلام کرد که حل سیاسی مسئله ای که در اطراف افغانستان ایجاد شده، تنها از راه مذاکره میان این کشور و همسایگان آن بویژه پاکستان امکان پذیر است.

ایزوستیا اضافه کرد که اتحاد شوروی از پیشنهاد دولت افغانستان درماه گذشته درباره عادی کردن روابط با همسایگان حمایت میکند. ایزوستیا نوشت که در ارتباط بااین حل و فصل سیاسی، مساله خروج نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی از افغانستان نیز خودبخود حل خواهد شد.

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

روزنامه ایزوستیا چاپ شوروی اعلام کرد که حل سیاسی مسئله ای که در اطراف افغانستان ایجاد شده، تنها از راه مذاکره میان این کشور و همسایگان آن بویژه پاکستان امکان پذیر است.

ایزوستیا اضافه کرد که اتحاد شوروی از پیشنهاد دولت افغانستان درماه گذشته درباره عادی کردن روابط با همسایگان حمایت میکند. ایزوستیا نوشت که در ارتباط بااین حل و فصل سیاسی، مساله خروج نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی از افغانستان نیز خودبخود حل خواهد شد.

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

### درد دو ...

بقیه از صفحه ۱  
حزب گسترده ضد امپریالیستی مردم بودند، اختار این فرزندان بیکار جوی خلق در آنست که بیابگر خواست ملت خود شدند و میلی نخستین را بر بناگوش امپریالیسم توتک امریکا فرود آوردند.

زمانی که عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، نقاب از چهره سفارت آمریکا بر گرفت، صفا ازمه متمایز شد، سفلیکانی که امپریالیسم امریکا قبله گاهتاش بود و آنها که پیرو خط نزدیک با غرب بودند، رو- تری کردند و افسون تاباوری ویدیویی در گوشها دمیدند که گویا موازین و مقررات بین المللی منقض شده و «گروگانگیری» سرچشمه یسی مشکلات در مناسبات ایران با آمریکا و متحدین غربی اش خواهد شد. اما توده های مردم، به پیروی از خط ضد امپریالیستی و مردم امام خمینی، که با فریاد قدر این انقلاب شیطان بزرگ امریکاست، دشمن اصلی خلق محروم را نمایانده بودند، تمام نیروی بیکار خود را در مبارزه با شیطان بزرگ بکار گرفتند.

وابستگی به امپریالیسم امریکا و هواداران غرب و آنها که توانستند خصلت انقلابی اشغال جاسوسخانه را درک کنند، پاران اتهام و دشنام را بر سردانشجویان این قدیس های عصیان پاریدند، آنها را «دوتی در داخل دوله»، «خودکامه»، ضد اسلامس، «منحرف از خط امام» و «در خط شیطان» خوانند و گروگانگیری را «بازاری» و سرگرمی نام نهادند.

ولی هرگاه که سیلاب اتهام بردانشجویان پارید، دست توازش امام خمینی بر سر آنان فرود آمد و موجب تسکین شان شد، امام خمینی مخالفان اشغال جاسوسخانه را در ریشه های قلعه می نامید و متصرفان لانه جاسوسس را «دانشجویان مسلمان مبارزه» می خواند. امام خمینی عمل «گروگان گیری» را «خواست تمام ملت» و مبارزانشناختن افراد، گروهها سازمانها میدانست. امام خمینی می گفت:

«آنها که آمریکائی بودند، حمايت کردند و آنها که امریکائی بودند حمايت نکردند».

برای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام این اقتدار بر شور مرگ و زندگی همه همگامانند.

ایزوستیا اضافه کرد که اتحاد شوروی از پیشنهاد دولت افغانستان درماه گذشته درباره عادی کردن روابط با همسایگان حمایت میکند. ایزوستیا نوشت که در ارتباط بااین حل و فصل سیاسی، مساله خروج نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی از افغانستان نیز خودبخود حل خواهد شد.

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

«تبلیغات امپریالیستیا درباره رویدادهای افغانستان کاملاً افشاء شده است. زحمتکشان افغانی از کمک اتحاد شوروی به حفظ استقلال و حاکمیت کشور و دفع از انقلاب سلبگرانه بدون این کمک، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان نابود می شود».

از سوی دیگر، سردبیر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، چاپ کابل، در مصاحبه ای گفت:

### لایا - جمهوری اسلامی ایران یک کشور سر و چند میلیونی را با اینهمه ثروت و امکانات شگرف از جنگ همه امپریالیستیا بدر آورده و اعلام نموده است که آنچه در ایران هست و مربوط به ایرانست، مال ایرانست. کم کردن یک چنین مبارزائی برای انحصارات امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی و ژاپن ضررت گنج- کنتدمایست و میتواند کشورهای همانند ایران را هم علیه این انحصارات بشورشاند.

# ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا منصوب شد

## تفسیری پیرامون کارنامه ۴ ساله کارتر و نتایج انتخابات آمریکا

به گزارش خبرگزاری‌ها، جمعی کارتر در بامداد روز چهارشنبه، ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹، در "هتل وانینگتن" اعلام داشت، بنا به قولی که چهارسال پیش به مردم آمریکا داده و متعهد شده است که هیچ‌گاه حقیقت را از آنها پوشیده نگاه ندارد، باید به "حقیقت‌دردناک شکست انتخاباتی خود اعتراف کند! وی افزود که، فرشادبانی به رانالد ریگان، پیروزی وی را شریک گفته است. واقعا هم حقیقت آنستکه بموجب گزارش‌های کنونی، ریگان بیش از پنجاه درصد آرا را بدست آورده و به ریاست جمهوری آینده آمریکا برگزیده شده است. لابد باید جای خوشوقتی باشد، که آقای کارتر بالاخره پس از چهارسال یکی از وعده‌های بی‌شمار انتخاباتی خود را به یاد می‌آورد و لاف‌ها بیکار مجبور به اعتراف حقیقت می‌گردد.

جمعی کارتر، چهارسال پیش در مبارزه انتخاباتی خود، به پیروی از سنت همه سیاستمداران کشورهای غربی و بویژه نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا، چه وعده‌های رویا-انگیزی که به مردم آمریکا نداد، وی بارها عهد یاد کرد که درگستره داخلی به حل مسائل مبرم، بویژه در زمینه اقتصادی - اجتماعی، بپردازد و در پهنه سیاست خارجی تنش زدایی و پاسداری از صلح را هدف دولت خود قرار دهد. اما حقیقت آنست که پس از گذشت چهارسال، آمریکای امروز با دشوارترین مسائل اقتصادی - اجتماعی روبروست و سیاست خارجی ماجراجویانه و برزینگی فرموده کارتر، بویژه در ماه‌های اخیر، آمریکا و جهان را با یکی از خطرناک‌ترین دوران‌های پس از جنگ دوم جهانی مواجه ساخته است.

طبق گزارش‌های رسمی، شماره بیکاران در آمریکا از "جنگ تمام‌عیار" کندی علیه بیکاری تاکنون از ۲/۹ میلیون به ۸/۲ میلیون افزایش یافته است. بدین‌سان، اینک ۷/۲ درصد نیروی کار آمریکا بیکار است. این درصد در میان اقلیت‌های غیرآمریکایی از این نیز بیشتر است و در میان جوانان سیاهپوست به ۳۶/۶ درصد رسیده است و به نوشته "مجله" "تایم"، "اینک در شهرهای گوناگون به ۴۰ و حتی ۵۰ درصد افزایش می‌یابد". نرخ تورم آمریکا اکنون بیش از ۱۳ درصد است. پیش‌بینی می‌شود که در سال جاری، فرآورده اجتماعی قدرتمندترین کشور سرمایه‌داری جهان یک درصد کاهش یابد. بودجه اجتماعی سال آینده تنها ۲۲۰ میلیارد دلار خواهد بود، که افزایش آن تقریبا برابر نرخ تورم است.

از سوی دیگر، از هر دلاری که دولت آمریکا خرج می‌کند، ۲۲ سنت آن به مصارف تبلیغاتی می‌رسد. نه پیشنهاد دولت کارتر و تصویب کنگرس آمریکا، میانگین رشد هزینه‌های تبلیغاتی ایالات متحده تا سال ۱۳۶۴، ۴ درصد، یعنی حتی یک درصد بیشتر از رقمی خواهد بود که "ناتو" سه سال پیش تعیین کرد. فلاکت اقتصادی و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های تبلیغاتی پیامد سیاست تنش‌فزایی و دیپلماسی جنگ افروزان است - که "بازها" و هارتین محافل بی‌جمع نظامی - صنعتی مدت‌هاست بر دولت کارگزار خود تحميل کرده‌اند. تشبیهات بی‌دری کارتر - برزینگی علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران، که آخرین نمونه آنها را در جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین علیه کشورمان مشاهده می‌کنیم، تنها یکی از وجوه متعدد سیاست‌تنش‌فزایی همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان است.

یادآور می‌شویم که جمعی کارتر در نخستین سخنرانی خود بعنوان رئیس جمهور ایالات متحده در برابر کنگرس گفت: "عهد ما در برابر حقوق بشر باید مطلق باشد". وی در سخنرانی دیگر اعلام داشت: "من شب و روز از هیچ‌گونه کوششی در این راه دریغ نوزیرمادم که احترام به حقوق بشر در همه اعمال دولتماند

تجلی یابد" (۱۴ آذر ۱۳۵۹). جمعی کارتر نزدیک به یکسال بعد تاکید کرد: "ناهنگامیکه من رئیس جمهوری هستم، دولت ایالات متحده در سراسر جهان در راه رعایت هرچه بیشتر حقوق بشر گام برخواهد داشت" (۱۵ آذر ۱۳۵۷).

براستی هم، کارتر و جارچیان مزدور امپریالیسم آمریکا مدت‌ها گوش جهانیان را با تبلیغات حيله‌گرانه و مزورانه خود پیرامون "حقوق بشر" آزدند و بیپوده تلاش ورزیدند تا به خیال خود از این راه دستاوردهای سترگ کشورهای سوسیالیستی، ارائه‌کنندگان و پشتیبانان حقوق بشر زاستین را، تحفه کنند. ولی، چنانکه حتی ویلیام ف. باگلی، روزنامه‌نگار محافظه‌کار آمریکایی، چندی پیش ضمن ارزیابی کارنامه کارتر در مجله "فارین افیز" مجبور به اعتراف شد: "البته همه کسی میداند که دیگر از تمام‌بنای سیاست حقوق بشر آقای کارتر جز ویرانه‌ای باقی نمانده است".

همچنین هفته‌نامه "یواس. نیوزاند ورلد ریپورت" در بررسی دوران ریاست جمهوری جمعی کارتر نوشت: "در مورد حقوق بشر، مشاوران استراتژیک ایالات متحده در برخی گستره‌ها اولویت یافت" (۲۱ شهریور ۱۳۵۹). چنانکه میدانیم، یکی از این "ملاحظات استراتژیک"، تمرکز بی‌سابقه بر بزرگترین نیروی نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس است، که آقای کارتر آنرا "حرم منافع حیاتی" امپریالیسم آمریکا خوانده است.

با اعتراف شکست کارتر، یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین کارزارهای انتخاباتی در آمریکا پایان می‌یابد. در تاریخ ایالات متحده آمریکا، کمتر انتخاباتی می‌توان یافت که امکان انتخاب میان دو برنامه انتخاباتی برای رای

دهندگان چنین محدود بوده باشد. گرچه، همواره، هر دو حزب بورژوازی "دمکرات" و "جمهوریخواه" نمایندگان سیاسی انحصارگران و محافل امپریالیستی آمریکا بوده‌اند، ولی این بار حتی در اغلب شعارهای ظاهری و صوری خود نیز همانندی رسواگرانه نشان دادند. بنا بر این شکست‌انگیز نیست که بسیاری از مفسران آمریکایی، که به هیچ روی صفت "افراطی" به آنها نمی‌چسبد، این باصطلاح "دمکراسی در عمل" را به‌مثابه "بحرانی واقعی در سیستم سیاسی" آمریکا ارزیابی کردند و برخی نیز آن را "فاجعه‌آمیز" نامیدند. یادآور می‌شویم که نامزدهای مرفقی، از جمله گاس هال و آنجلا دیویس، کاندیداهای حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا برای ریاست و معاونت جمهوری، با موانع "حقوقی" فراوانی در طول مبارزه انتخاباتی مواجه گردیدند، که آشکارا با قانون اساسی آمریکا و قوانین ایالات مختلف آن کشور تناقض دارد. فزون بر این، آنها طبعاً نمی‌توانستند از بودجه ۵۰-۳۰ میلیون دلاری احزاب "دمکرات" و "جمهوریخواه" برخوردار باشند.

از بسته‌بندی سخنرانی‌های انتخاباتی کارتر و ریگان که گذریم، محتوی کالای به بازار آورده آنها یکی بود. آنها جای استدلال منطقی و باحتمی تبیینی، اکثرا از ابتدایی‌ترین غریزه مردم، یعنی غریزه ترس، سو-استفاده می‌کردند. ریگان با اتهام، نه خیلی بی‌جای، "عجز" کارتر در مردم رعب برمی‌انگیخت و کارتر می‌کوشید تا، نه چندان غیرقابل توجه، ریگان را "نئاندرتالی خطرناک" توصیف کند. (انسان‌واره‌های نیمه وحشی ماقبل تاریخ) هم‌کارتر و هم ریگان، از ناپایمانی اجتماعی - اقتصادی کنونی، که فرآورده سیاست‌های ضد خلقی و تنش‌فزایانه محافل امپریالیستی

حاشی خود آنهاست سو-استفاده می‌جستند و به مردم آمریکا تلذیب می‌کردند که در صورت انتخاب رقیب، وضع از این نیز وخیم‌تر خواهد شد. هم کارتر و هم ریگان تلاش می‌ورزیدند تا ترس از "تهدید نظامی شوروی" را در مردم آمریکا برانگیزند و هر یک می‌کوشید تا خود را مدافع سرسخت‌تر "سیانت از موضع قدرت" معرفی کند. در طول این مبارزه انتخاباتی بود که کارتر "استراتژی جدید هسته‌ای" خود را اعلام داشت و ریگان متعهد شد تا هزینه‌های جنگی را از سطح دهشتناک کنونی نیز بالاتر برد. دوناژد احزاب بورژوازی انحصاری آمریکا برای کسب وجهه انتخاباتی خود هیچ گونه مرز مشروع اخلاقی را به رسمیت نشناختند. به نوشته "جک اندرسون"، روزنامه‌نگار آمریکایی، کارتر حتی قصد داشت که برای ارتقای پرستیژ خود در آستانه انتخابات آمریکا تهاجم نظامی وسیعی را علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران تدارک دهد. بهر صورت، آنچه مسلم است جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، که امام خمینی بحق آنرا جنگ آمریکا با ایران خوانده است، کوششی بود که کارتر از آن توقعات انتخاباتی نیز داشت ولی نتوانست از شکست کارتر جلوگیری کند.

با انتخاب ریگان به ریاست جمهوری آمریکا چهره جدیدی از روندهای درونی ایالات متحده آمریکا و مناسبات بین‌المللی نمایان می‌شود. گهنگار و کردار هنرپیشه فیلم‌های کاتوبویی قدیم و رئیس جمهور جدید آمریکا از تحمیل مواضع خشن‌تر منتج نظامی - صنعتی، انحصارات امپریالیستی، سیا و پنتاگون در روش‌های حکومت آمریکا حکایت می‌کند. ریگان چه در مسائل جهانی و چه در قبالی مناسبات با ایران همواره خود را طرفدار شی "خشن" نمایانده است. وی، برای نمونه، در سخنرانی، که چندی پیش در کوانسیون سالانه سربازان سابق ایالات متحده آمریکا ایراد کرد، از جنگ تجاوزکارانه و وحشیانه آمریکا علیه خلق ویتنام به دفاع برخاست و آنرا مبارزه در راه "آرمانی اصل" خواند. وی "اشتباه" آمریکا را نه در سرکوب بربرستانه خلقی استقلال‌طلب، بلکه تنها در عدم پیروزی توصیف کرد. "سیاست" ریگان در مورد دیگر مسائل بین‌المللی، مانند تنش - زدایی و خلق سلاح، خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین، جنوب شرقی آسیا و... نیز از واقع - یعنی بیشتری برخوردار نیست. ریگان، که بارها کارتر را بخاطر "دستکاری ناگانی" از محسدرضا و رژیم منحوس سرزنش کرده است، منتقد بود که "مسئله" گروگان‌ها را می‌توان با یک اقدام نظامی در طرف بیست و چهار ساعت فزمله داد.

آینده نشان خواهد داد که رئیس‌جمهور آینده آمریکا تا چه اندازه از دنیای "کاتوبوییها" و فیلم‌های هولیوودی به جهان سیاست واقع - بینانه باز خواهد گشت؟ خوشبختانه آن دوران که امپریالیست‌ها می‌توانستند منافع جیالوگرانه و تجاوزکارانه خود را به آسانی بر خلق‌های جهان تحميل کنند، مدت‌هاست که دیگر سرری شده است و گردان‌های گوناگون نیروهای انقلابی جهان، کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، جنبش‌های آزادیبخش ملی و طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، هر چه بیشتر قدرت آن را می‌یابند، که در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح و پیشرفت اجتماعی به پیروزی‌های چشمگیری نائل گردند. این عاملی است، که حتی رئیس‌جمهور بزرگترین کشور امپریالیستی جهان نیز که هرگز باهر نام وزیر عنوان هر یکاز دو حزب بورژوازی باشد در هر حال عامل، مجری و کارگزار سیاست انحصارات امپریالیستی است، به هیچ روی نمی‌تواند آن را نادیده بینانگارد.



در جنگ بین ایران و رژیم بعثی عراق درجه شایسته یادگاری برای صلح لازم است؟ آیا باید در نظر گرفتن وضع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عراق و ایران، کلا تعارض عدم مذاکره تا سرنگونی رژیم بعث که از جانب مقامات ایرانی مطرح می شود، صحیح است؟

ج: سپید، در اظهارات دقیقی که اخیرا انجام گرفته، بطور روشن تشریح شده که آنچه الان مطرح است، بازگرداندن ارتش متجاوز عراق به سرحدات بمی سرور کردن متجاوزین ارتش عراق است. پس از آن که مباحثات پانزده روزی در راه حل صلح با ایران با از این طریق که بالاخره عراقی ها به میدان کار بی برده اند و خودتان دواطلبانه از خاک ایران بیرون بروید، آن وقت مسئله آنتیسم مطرح خواهد شد. چون دولت ایران رسماً اعلام کرده است که در خطر ندارد عراق را انتصاب کند، در نظر ندارد که انقلاب ایران را با رور ارتش به آسما صادر کند و گفته است کار انقلاب عراق وظیفه خلق عراق است و این کاملاً درست است. این وظیفه خلق عراق است که در نتیجه بی آمدن تکتک ماجرای که صدام حسین و داروغستانش به راه انداخته اند، این امر را در برآورد و آنقدر نیروهای سالم در درون خودش داشته باشد که نتواند رهبری حیات بسته و سرسپرده امپریالیسم را در کشور خودش ساقط کند. این وظیفه خلق عراق و نیروهای انقلابی عراق است. مافکر می گویم که مسئله از سوی ایران کاملاً روشن است، نخست وزیر، رئیس جمهور و دیگر مقامات مسئول مملکت هم این مسئله را با صراحت بیان کرده اند. پس به این ترتیب مسئله عدم مذاکره بطور مطلق، اصلاً مطرح نیست، حالا ممکن است پس از آن که ارتش عراق از خاک ایران بیرون رانده شد و با تحت فشار داخلی و جهانی از خاک ایران خارج شد، در آن شرایط ما مصلحتی نداشته باشیم که پشت میز صحبت بنشینیم و منتظر بشویم ببینیم چه تحولاتی در عراق بوجود خواهد بیفتد. این ممکن است، ولی این یک وقفه کوتاه مدت است. بالاخره دو کشور هم باید مسائل مورد اختلاف خودشان را با یکدیگر حل کنند و با یکدیگر صلح کنند و با یکدیگر صلح کنند. یکی از مسوولان دولت ایران، خوب یک کمی صبر کنید تا شرایط برسد برای این که دومرتبه این مسائل را حل کنند. ما می بینیم که بین چین و اتحاد شوروی هم مسائل مورد اختلاف زیاد است. از طرف چین خیلی ادعاهای نسبت به بخش مهمی از کشور شوروی هست. و ما می بینیم که اتحاد شوروی دائماً آنها را پیشنهاد می کند که بنشینیم مذاکره کنیم و می بینند و ما با هم مذاکره می کنیم، با هم بنشینیم و بنشینیم با هم مذاکره می کنیم. بالاخره یک وقتی می رسد که بدون آن که توب و تشنگی درکم، شرایط فراهم می آید برای آن که عقل سلیم پیروز گردد و بکراه حل عقلانی پیدا شود. ما خیال می کنیم از طرف ایران اصلاً مسئله مورد اختلاف وادمانی نسبت به عراق مطرح نبوده و این عراق است که برای دولت تاته با سفا چیز دیگر، به این عمل تبهکارانه جنگ دست زده است. اینها ما مثالی نیست که برای آن میلیاردها و میلیاردها از ثروتمندان عمومی دو کشور ارمنی، برود و نیروهای طبیعی که می توانست اسرائیل را وادار به تسلیم بکند، به این شکل بهرود برود و در کشور و داخل خلق صیقل ببخشد و در نتیجه دشمنان هر دو خلق امکان یافتند مباحث خودشان را تحکم بکنند و این دو خلق با لاقال انقلاب ایران را با چنین دتواری ها و مخاطراتی روبرو کنند. چنین سیاسی، خوب، از عقل که به تمام معنا دور است، ولی اینجا دیگر نمی شود گفت که صدام حسین دیوانه است. برای این که این صدام حسین کاملاً آگاهانه و با در نظر گرفتن تمام حسابها به این جنایت دست زده و البته در حسابهای مثل حسابهای کرر در فکر امپریالیسم و ارتجاع کور خوانده و عوامل و عناصری را که در محاسن خودش به کار برده، صوب و سفودتر بوده و در نتیجه درست از آب در نیامده است.

حال ممکن است که امپریالیسم بتواند در آینده عوامل و عناصر تازه ای را در این کشکش وارد کند که می بینیم چه نباید بدان بی اعتنا بود. هیچ بحد نیست که امپریالیسم آمریکا در لحظه ای که سپید که جمهوری اسلامی ایران دارد به یک پیروزی بزرگ نزدیک می شود، برای جلوگیری از این پیروزی عناصر تازه ای را وارد این مایع کند. باز هم در این آتش بریزد باید این را در نظر داشت. ما بارها به رهبری کشور هشدار داده ایم که نباید تصور کرد که در این جنگ به آسانی می توان پیروزی پیدا کرد. در این زمینه باید خیلی با احتیاط بود و توجه داشت که امپریالیسم نمی خواهد بگذارد که این جنگ به این آسانی خاتمه یابد و در لحظه حین برای تقویت تجاوز عراق تخمین و موانع فزاینده دیگری روی این آتش خواهد ریخت. باید این موارد را هم پیش بینی کرد که چه صورتی ممکن است به خود بگردد و امپریالیسم به چه شومخانی ممکن است دست بزند. ما تحریکات امپریالیستی را تا حد تجاوز آشکار، مثل تجاوزی که امپریالیسم آمریکا به کره و تایوان کرد، در ایران امکان پذیر می دانیم. یعنی ممکن است در آخرین مرحله که آمریکا از همه دسیسه های خودش تا امید بشود و ببیند که تمام توطئه های ما شکست روبرو شده است، آنگاه به آخرین حربه که همان دخالت مستقیم است، دست بزند. به نظر ما جمهوری اسلامی ایران، باید برای مقابله با همه این احتمالات خود را از همه جهت آماده کند: از جهت تجهیز نیروهای خلق، از جهت تجهیز امکانات اقتصادی، از جهت تجهیز منابع برای دست یابی به مواد لازمی که ایران آن را کم دارد - هم ارقام حداقل ضرور مصرف مردم، هم ارقام سوخت و هم از لحاظ وسایل دفاع و غیره - نباید در این خواب غشی فرو رفت که ما پیروزی می شویم و آمریکا تسلیم خواهد شد، ما خیلی خوشوقت هستیم که بی بینیم این روشن بینی در دو سه هفته اخیر در مقامات مسئول قوت گرفته و آن تصویری که در آغاز احساس می شد وجود دارد که توطئه عراق را در طرف چند روز به سرعت در هم خواهیم شکست و امپریالیسم آمریکا تسلیم خواهند شد و ایران را بر سر می خواهند گذاشت، جای خودش را با ارزهایی واقع بینانه تر و روشن بینانه تر نداده است و امیدواریم که در این جهت باز هم به تشریح های مثبتی انجام گیرد.

در تحلیلی که من برای شماره ۷ مجله "دنیای امروز" تهیه کرده ام، نوشته ام که این تجاوز عراق به ایران تخمین توطئه امپریالیستی است و مسلماً بعد از این نشی، هفتی خواهد آمد و از بی هفتی هم که با شکست روبرو شود، باز هفتی خواهد آمد و امکان اینکه یکی از این توطئه ها، هفتی، هشتی، نهمی یا دهمی، بالاخره به صورت تجاوز آشکار امپریالیسم آمریکا به ایران در آید، وجود دارد. جلوگیری از مصلحت شدن این امکان و پیشگیری یک چنین ماجراجویی آمریکا، باید تدارک همه جانبه از طرف رهبری جمهوری اسلامی برای تجهیز نیروهای داخلی و استفاده از همه امکانات جهانی برای پشتیبانی از انقلاب ایران، صبر خواهد بود. ما خیال می کنیم که اگر کوبای "کوجولو" بالاخره توانست آمریکا را که از همه طرف کوبا را محاصره کرده و حتی در خاک خود کوبا پایگاه نظامی دارد، سر جای خودش نتواند و از دست زدن به ماجراهای نظامی دیگر، منصرف سازد، مسلماً ایران ما در بر تو موضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی فوق العاده مناسب خود، ما تجهیز امکانات به مراتب بیشتر و به مراتب موثرتری که دارد، می تواند آمریکا را وادار کند که در پشت سرحدات ایران مؤذنب باشد، دندان مروجه برود و جرأت تجاوز به خاک ایران برانداخته باشد. ولی این امر، همان طور که گفتیم، فقط در صورتی ممکن است که رهبری جمهوری اسلامی بتواند همه امکانات درون ایران و تمام امکانات جهانی مساعد به نفع انقلاب ایران را به درستی و به موقع تجهیز کند و به کار بپردازد.

این طلی است که ما بارها با رهبری جمهوری اسلامی در میان گذاشته ایم و امیدوار هستیم که شناخت واقع بینانه در این جهت، در روزهای آینده، در همه های آینده، رشد چشمگیر و موثرتری در سیاست عمومی ایران داشته باشد.

ج: آیا جنگ ایران و عراق می تواند در شکل ظهور شدن انقلاب آزادی بخش خلق های عراق تاثیر داشته باشد؟ آیا جنگ ایران می تواند به بروز وضع انقلابی در عراق بیانجامد و با این که بعثت می تواند تفادهای طبقاتی را با تیز کردن احصاات ناسیونالیستی به خاموشی سوق دهد؟

ج: زلفا، پیش بینی این که جنگ ایران و عراق، در عراق چه تاثیری و درجه مثبتی خواهد داشت، کار آسانی نیست، زیرا اولاً ما الان اطلاع

دقیقی از وضع داخلی عراق نداریم، البته اطلاعات زیادی می رسد که وضع در عراق بحرانی است: هم در داخل رژیم بعث، در داخل حزب بعث و رهبری بعث و هم در داخل ارتش و جامعه، وضع بحرانی آنجا را مرا گرفته است. حال در این وضع بحرانی چه نیروهای بتوانند نقش مؤثر داشته باشند و در نتیجه، بحران را به چه جهتی بتوانند سوق دهند، مطلبی است که اطلاعات ما نمی تواند جواب روشن و صریح به آن بدهد. احتمالاتی که در آنجا می توان داد، این است که مثلاً در داخل نیروهای حاکم عراق، تحولی در جهت مثبت یعنی در جهت غلبه نیروهای هوادار همکاری صمیمانه با سایر نیروهای جنبه پایداری کشورهای عربی برای مبارزه قاطع و بی سرنگر علیه اسرائیل، علیه امپریالیسم و غیره صورت گیرد.

البته بهترین راه حل هست، چون صلحناچنین تغییری سیاست عراق را به طور بنیادی عوض خواهد کرد و سیاست عراق در جهت همکاری با سایر نیروهای ضد امپریالیستی در منطقه و درجه اول با دوستانه و مهمش سوریه و ایران تغییر خواهد کرد و عراق تبدیل خواهد شد به یک پایگاه مبارزه ضد امپریالیستی. چنین حالتی امکان دارد، برای این که در داخل حزب بعث عراق، با وجود تمام تصفیه ها و اعدام های وحشتناکی که گروه صدام انجام داده و یکی از بارزترین اش همان اعدام ۲۲ تن از اعضای رهبری شورای مرکزی بعث عراق، یعنی اعدام نزدیکترین همکارانش بود کرده اول وزیر اعصاب گرداننده سیاست عراق را تشکیل می دادند، پس از این تصفیه ها و اعدام ها نیز به منظور ماسلما هنوز نیروهای سالم واقع بین ضد امپریالیست در حزب بعث وجود دارند و لذا چنین حالتی ممکن است، ممکن است تحقق پیدا کند. احتمال دیگر این است که در این شرایط نیروهای دیگری که دارای این جنبه های مثبت نباشند، از میان خود نظامیان عراق رقیب صدام به قدرت برسند، که درست هوادار نزدیک بی امپریالیسم آمریکا و همصوت شدیدتر با جنبه پایداری عرب باشند. البته این عمل می تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم انجام بگیرد، یعنی اولش به این صورت باشد که برای جلوگیری از اضمحلال ارتش عراق و بیرون کشیدن عراق از زیر ضرب تغییراتی در داخل رهبری عراق بوجود بیاورند تا بتوانند نیروهای خود را برای مرحله بعدی جمع کنند یعنی ممکن است یک کودتای راستی پوشیده با محتوای کودتای ترکیه، با محتوای ضیا الحقی، انجام دهند، منتها در مرحله اول یک قیافه "ملی"، "ترقی خواهانه"، "مثبت" و "سازگار" با انقلاب ایران به خود بگیرند. این حالت هم می تواند پیش آید که بسنگی دارد به چگونگی تناسب نیروهای گوناگون در رهبری عراق و درجه تاثیر

خلق عراق در این بحران، ما از چگونگی این تناسب نیروها در جهت تاثیر خلق عراق در این بحران اطلاع دقیقی نداریم و نمی گوییم تحت تاثیر بعضی از اخبار تبلیغاتی قرار نگیریم. البته بهترین راضل این است که مردم تاثیر خود را واقعاً در جهت یک انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک، با محتوایی که انقلاب سوریه به این دارد، اعمال کنند و نیروهایی را سرکار بیاورند که در جهت جنبه پایداری خلق های عرب و سیاست عراق عمل کنند.

بنظرم این بهترین راضل است و امیدواریم که همین راضل بر سایر امکانات چیره شود. البته این امید ما هست و نمی توانیم وعده دهیم که حتماً چنین خواهد شد، چون ما خودمان نمی توانیم در عراق، در چنین جهتی تاثیر کنیم. این وظیفه انقلابیون عراق، وظیفه نیروهای پیشرو خلق عراق است که در این جهت عمل کنند و چنین تحولی را در عراق ممکن سازند.

ج: سؤال دیگری هم قبل از همین مورد شده که چرا لیبرال ها از مواضع قدرت طرد نمی شوند؟ این ساده نیست، رفا! طرد کردن لیبرال ها از مواضع قدرت کار ساده ای نیست، زیرا لیبرال ها هنوز در قشرهای بنیادینی، در طبقات متوسط جامعه و حتی در میان توده های زحمتکش پایگاه قابل ملاحظه ای دارند و ملتش هم اینست که توده های زحمتکش ایران، در مجموع خود برود سیاسی و فکری همگنی ندارند، سطح رشد همه به آن درجه نیست که بتوانند ماهیت بورژوازی لیبرال و خطراتی را که از جانب آن نسبت به انقلاب ایران تصور هست، به طور عمیق و همه جانبه درک کنند. ما خوب می دانیم که در آذربایجان - در تبریز - حزب جمهوری خلق مسلمان که نماینده لیبرال های وابسته با امپریالیسم یعنی کاملاً همگام با امپریالیسم است، چگونه توانست تأدیت با سایر های مذهبی ستادار، نیروی چشمگیری را در جهت مبارزه با جمهوری اسلامی تجهیز کند. این نشان می دهد که لیبرال ها هنوز نیروی کمی ندارند. در میان روحانیت هم نیروی آنها هنوز خیلی کم نیست. ما می دانیم که در همین دوران اخیر از طرف برخی از مخالف روحانیت سنی و جافناده ایران، حتی اقدامات علنی مؤثر در جهت منافع لیبرال ها انجام گرفته است، فتوای برضد مبارزاتی که مردم زحمتکش ایران آن علیه مالکیت بزرگ زمین، علیه سرمایه های دزدی شده و غارت شده و غیره انجام می دهند، داده شده است. و این فقط در جهت حفظ سرمایه داری و بورژوازی لیبرال است.

پس لیبرال ها نیروی کمی نیستند، نه در دستگاه قدرت دولتی کم هستند، نه در مجلس خیلی ناچیز هستند و نه در مجموعه جامعه. به این علت است که طرد لیبرال ها، آن طور که انقلاب الجزیره انجام داد و آن طور که در بسیاری از کشورهای انقلابی دیگر حتی قاطع تر از الجزیره انجام گرفته است، با توجه به همان ویژگی انقلاب ایران، کار آسانی نیست. البته در این دو ساله اخیر ضرباتی به لیبرال ها وارد آمده است، محدودیتی برای لیبرال ها پیدا شده است. آن قدرتی که آن ها در آغاز انقلاب در دست داشتند، امروز دیگر ندارند، مبارزه علیه بورژوازی سرمایه داری عمیق تر شد، در مجلس یک اکثریت نیرومند خلق طرفدار راه امام خمینی وجود دارد که می تواند اقدامات نیرومند و مؤثری علیه لیبرال ها انجام دهد، ولی این مقاومت لیبرال ها، چه در اقتصاد، چه در دستگاه دولتی، چه در هر جای دیگر، کارها را ترمز می کند. قاطعیت تهرولتری لازم است برای آنکه این مقاومت لیبرال ها درهم شکسته شود آن ها را از صحنه طرد کند. آن چه که ما الان شاهدش هستیم، عبارت است از تیرد تن به تن شدید میان جناح های انقلابی دموکراسی انقلابی و بورژوازی لیبرال که با جنگ و دندان از مواضع خود دفاع می کند و مواضع بیرونی هم دارد.

مبارزه های کم خلق ایران با لیبرال ها و با خطری که از جانب آن ها متوجه انقلاب ایران هست، دارد، مبارزه امروز و فردا نیست که ما خیال کنیم روند شکست چه خواهد شد، مثل کشیدن دو پهلو آن است که چند ساعتی طول می کشد و بالاخره یکی دیگری را می زند زمین. نه، این مبارزه، مبارزه دو پهلو آن از پهلو آن های نوع دیگری است که می تواند خیلی طولانی تر شود. گاه با چندین بار این طرف و آن طرف رفتن، زیر رفتن و باز رو آمدن، مبارزه آن قدر ادامه پیدا کند تا بالاخره جنبش انقلابی ایران در مرحله ای از رشدش، در مرحله ای از عمیق تر شدن و قاطع تر شدنش، موفق شود بورژوازی لیبرال را از صحنه قدرت سیاسی خارج کند.

ج: لیبرال ها در ایران چه سرمایه هایی در دست دارند؟ آیا طرد ضرورتی برای لیبرال ها یا قانونمندی های راه رشد غیر سرمایه داری سازگار است یا باید این امر در روندی بالنسبه طولانی صورت گیرد؟

ج: ببینید، تعریف علمی راه رشد غیر سرمایه داری یا ست گیری سوسیالیستی هیچوقت به صورت یک تعریف قاطعی تنجید نبوده که با باید طرد ضرورتی لیبرال ها در آن بکشد و با چنین جریانی حتما یک روند بالنسبه طولانی داشته باشد. این روند بسنگی دارد به تناسب نیروهای که وارد میدان هستند و به تاثیر تعیین کننده جناح های مختلف نیروهای انقلابی در امر رهبری. اگر رهبری جنبش انقلابی به دست پرولتاریا باشد و با پرولتاریا با تأثیر داخلی و جهانی نیروی خود بتوانند نقش تعیین کننده با نقش بسیار نیرومند در روند انقلاب داشته باشند، آن وقت البته مسئله مزوی کردن و طرد لیبرال ها از مرم های که آن ها در اختیار دارند، خیلی قاطع تر، آسان تر و سریع تر خواهد شد. این هم امر رشد غیر سرمایه داری است، ست گیری سوسیالیستی است. ولی اگر تأثیر پرولتاریا در رهبری انقلاب کم باشد، اگر رهبری انقلاب در دست جناح های مختلف دموکراسی انقلابی باشد، آن وقت وضع تغییر می کند. اگر رهبری قاطع می گیرد و آگهی دموکراسی

# نورالدین کیانوری

## پرسش و پاسخ

# پاسخ به برخی مسائل حاد و روز

انقلابی در راس انقلاب باشد، مثل نمونه هایی که ما تا بحال در وجود پی دموکراتیک، الجزیره، کینه و غیره، داشته ایم، آن وقت این جریان سریع تر و نسبتاً قاطع تر انجام می گیرد. ولی اگر نه، برعکس، رهبری - به نظر من - مرفه تر و سازشکارتر باشد. یعنی توده هایی که در انقلاب شرکت می کنند، هنوز آن آگاهی کامل را نداشته باشند، در این صورت به دنبال قشرهای مرفه تر می روند و آن وقت مسئله طرد لیبرال ها برایشان اغلب بصورت ناخوشایند انجام می گیرد و ممکن است به تدریج، برعکس، به سازش با لیبرال ها بیانجامد. به این ترتیب، برای این نوع مسائل ما هرگز یک راه حل قاطعی نداریم که بخود معین کرد که دو دو تا چهارتا می شود و سه سه تا نه. همین چنین قالبهایی برای تحولات اجتماعی هیچگاه امکان پذیر نیست. رفا هم هیچوقت نسبت به مسائل اجتماعی برخورد این چنانی نکند. همیشه باید توجه داشت که در این مسائل اجتماعی، عناصر گوناگونی می توانند تأثیر کنند و این فقط واقعتاً انقلاب در مرحله صمیمان است که علوم می کند کدام یک از این عوامل می توانند در مورد چگونگی فرجام این مرحله، تأثیر تعیین کننده داشته باشد.

ج: ادامه عملی کمک جنبه سوسیالیسم و نیروهای مترقی جهان در مقابل ادامه تجاوز خائفانه صدام به جمهوری اسلامی ایران چگونه می تواند باشد؟

ج: این مسئله ای است که به نظر ما، به چگونگی سیاست مقامات مسئول حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ارتباط دارد. آن چنگ که به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و تغییرناپذیر ما می توانیم بیان کنیم این است که کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی برای انقلاب ایران یک ارزیابی خیلی مثبت دارند و بکرات بطور رسمی اعلام کرده اند هر گونه پشتیبانی از انقلاب ایران به عمل آورند برای آن که این انقلاب بتواند بدون دخالت خارجی ست گیری ها و هدفهایی را که برای خود تعیین کرده است، یعنی هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی، قطع همه جانبه سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی امپریالیسم بر ایران، ایجاد ایران مستقل، غیر متعبد که در جهت پیترت های اجتماعی، در جهت بهبود بنیادی شرایط زندگی توده های زحمتکش دعوا میسوسنی و محدود کردن خلافت غارتگران سرمایه دار و بزرگ مالک کام بردارد، دستحق بخشد. خوب، ببینید، کسی حاضر می شود به شا مجبور نکند که، از ما پشتیبانی کند. این دیگر با شمس است که به چه شکل از این کشوران پشتیبانی برای هدفهای خود بهره بگیرد. به این جهت به نظر ما جواب این سؤال فقط بسنگی دارد به سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران. اگر این سیاست درجهتی که تا چند وقت پیش کسترش پیدا می کرد و مبارزه دوسی و همکاری با نیروهای امپریالیستی در سرانجهان بود، ادامه باید طبیاً همه چیز می تواند از این امکانات فوق العاده مساعد آینه اند و در نتیجه الزاماً روز بروز در مقابل فشار امپریالیسم ناتوان تر خواهد شد و بالاخره با بدطبق پیش نهاد دولت کام به کام، وسط برزیستی تسلیم توده امپریالیسم آمریکا و از درازش در آید. یعنی آمریکا را که از بیرون رفته، دوباره از پنجره وارد ایران کند. یا اینکه انقلاب تاشکست روبرو خواهد شد و امپریالیسم پیروز خواهد توانست بختار یا امپریانتظام با امثال آنها را بر راس قدرت بنشانند، لوسی را با آورد و مثل شیخی، مثل اندونزی دریای خون در ایران را با سازد و وارد دیگر تسلط خود را برقرار سازد.

به این ترتیب، به نظر ما، این امکانات فراوانی وجود دارد برای اینکه دولت ایران بتواند از آن ها برای مقاومت قاطع تر در برابر امپریالیسم و عقبم گناشتن تمام توطئه های امپریالیستی بهره بگیرد. آن چنگ که ما می توانیم دربار کنگ های عملی جنبه سوسیالیسم و انقلاب ایران بگویم، این است که اولاً دولت شوروی با وجودی که قرارداد کمک متقابل با دولت عراق دارد و با آن که این قرارداد برای مبارزه علیه امپریالیسم بوده است، با وجود این ما می بینیم که اتحاد شوروی در مورد جنگ ایران و عراق بی طرفی رسمی اعلام کرده و از اجرای تعهدات عادی و جاری خود نسبت به عراق، خودداری روبرو کرده است. امروز دیگر برای همه رهبری ایران مسلم است که کار سال سلطه شوروی بر عراق که جزو تعهدات عادی و جاری ناشی از قرارداد میان دو کشور بوده، بعد از شروع این خصمه، قطع شده و دولت شوروی رسماً آن را در اعلامیه تانسی، خاطرنشان ساخته و علاوه بر آن سفر شوروی بارها در مذاکره باره مران ایران به این مسئله اشاره کرده است. ثانياً دولت شوروی رسماً به دولت ایران اطلاع داده که برای همه گونه کمک به دولت ایران حاضر است: از لحاظ اقتصادی، از لحاظ حمل و نقل کلا و هر گونه کمک دیگری که ایران برای مبارزه علیه امپریالیسم و مقابله با اشکال مختلف توطئه های امپریالیستی بدان احتیاج دارد. این ها مظاهر بسیار مثبت و نیرومندی است و همچنین علت هم ما می بینیم که در گفتارهای اخیر استولان کشور، آن کتابها و اتهامات بی اساس و نتیجی های که در گذشته نسبت به اتحاد شوروی وجود داشت، به طور محسوس تقلیل پیدا کرده است. برای این که ما فکر می کنیم که دولت ایران اطمینان پیدا کرده، با اگر خواهیم خیلی مطلق صحبت کنیم، عوامل این اطمینان در رهبری جمهوری اسلامی قوی تر شده که دولت شوروی پشتیبان انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران است و نمی خواهد که این انقلاب شکست بخورد. کافی است در این مورد به هشدارهای بسیار جدی دولت شوروی و مقامات رسمی شوروی در مورد دخالت نیروهای امپریالیستی و وابستگان به امپریالیسم در ایران و در منطقه توجه کنیم. این هشدارها دارای وزن بسیار سنگینی هستند و دشمنان ایران را مسلماً در مورد ماجراهایی که در آینده می خواهند در پیش بگیرند به متامل و فکر وای دارند.

پس به نظر ما در این زمینه، راه برای بهره گیری، بکطرفه است. یعنی یک طرفش باز است و طرف دیگرش هست که باید باز شود.

ج: در خوزستان مسئله همکاری نیروهای توده ای که در نبرد علیه تجاوز عراق، شرکت فعال و مؤثر دارند با سایر نیروهای انقلابی جمهوری دارد؟ آیا در برداشته ها و برخورد های نیروهای مسلط انقلابی یعنی سپاه پاسداران و سایر نیروهای انقلابی نسبت به حزب توده ایران تغییری پیدا شده یا نه؟

ج: به این سؤال بدون آن که دچار شبزدگی شوم، به طور کلی باید جواب مثبت بدهیم. واقعتاً این است که حرکت بی گونده ای در جریان تجبهیر مقاومت، در جریان نبرد در خوزستان شهر، آبادان و اهواز و در داخل

# انقلاب ایران در مقابله با تجاوز آمریکای

## رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران

جلسه «موسوم» پش و پاش روز ۲۴ مهر سال ۱۳۵۹ تشکیل شد. رفیق نورالدین کبائوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به پرسش‌های مطرح شده، پاسخ گفت. پرسش‌ها در رابطه با مسائل گوناگون سیاست و اقتصاد کشور در مرحله کنونی انقلاب ایران، با ویژگی‌های دموکراسی انقلابی، با جریان نبرد تاریخی قهرمانانه خلق انقلابی ایران در مقابله با تجاوز تبهکارانه آمریکا - رژیم صدام، با ضرورت شناخت واقعی دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مسائل دیگر طرح شده است.

بخش اول متن این «پش و پاش» در شماره دیروز «نامه مردم» به چاپ رسید و بخش دوم آن در شماره امروز درج می‌شود.

سنکرها، ناوجود محدود بودن تعدادشان، تأثیر زیادی در محیط فیزیکی و توأمی اثراتشان و حتی در محیط اسلامی، داشته است. امیدواریم کمابیش تجربه‌ی هزرتان، تأثیر خود را در مجموعه جنبش ما بگذارد. البته انتظار این که این تأثیر فوری و بنیادی باشد و مناسبات نیروهای اسلامی و بخصوص جناح‌های احرار آنها را با حزب توده ایران دگرگون کند، خوش‌سآواری زیاده از حدی است که ما دچارش نمی‌شویم، ولی ما فکر نمی‌کنیم که این امر بدون تأثیر نیست. نمونه بارز هم همانطور که گفتیم، جریان تشییع جنازه رفیق شهید ما عسکر دانش شریعت پناهی در استان کهستان - دهنده قدرانی همه نیروهای خلقی از واداری و از جان‌گذشتگی یک مبارز توده‌ای است. و ما این را به‌عقل بسیار نیک می‌گیریم و امیدواریم که مخصوص غناوری از مقامات رهبری انقلاب که تا بحال روش خصمانه‌ی نسبت به حزب توده ایران دنبال می‌کردند، از این جریان متأثر شوند و در موضع گیری‌های خود نسبت به حزب ما تجدید نظر کنند. آنچه که برای ما مسلم است، این است که در قهرهای خلقی تر ریکرسی انقلابی، به‌ویژه در خونین شهر آبادان که نبرد سختی درگیر هست، این تأثیر مثبت گشای مسوسو و چشم‌گیر است. ما امیدواریم که این جنگ برادرستی که امیرالهیسم آمریکا سرسرودگانش، امثال صدام، به خلق‌های ایران و عراق تحمیل کرده‌اند، هر چه زودتر پایان پذیرد و نیروهای مبارز ایران موفق بشوند که متجاوزان عراق را از خاک ایران بیرون رانند. البته ما طرفدار این هستیم که این جنگ هر چه کوتاه‌تر باشد، ولی در همین دوران کوتاه هم حزب توده ایران از یک تجربه‌ی آزارناک بسیار بیرون آید و دوستان دادگام‌توده‌های هادرف مقدم میهن‌دوستان ایران قزاق دارند و سوسیالیسم علمی ما همین دوستی راستین و واقعی نه تنها کوچکترین تناقضی ندارد، بلکه به ما دوستی جز باگستی آن است، یعنی هواداران راستین سوسیالیسم علمی بهترین، وفادارترین، از خودگذشته‌ترین سپین‌دوستان هستند. زیرا به خلق زمختی وابستند و این خلق است که از خاک خودش و با وجه دفاعی می‌کند. سرمایه‌داران در روز سخت وطن را می‌گذارند و پول‌های خود را از بانکها برمی‌دارند و فرار می‌کنند. آنها به‌همین وجه همیشه به‌منفعتی واقعی خودش، به‌حلقی که در میان آن زاده و بزرگ شده‌اند، به منافع واقعی، به‌آرامان‌های حیاتی و آداب و رسوم این خلق، کوچکترین دلچسبی ندارند. به همین وجه است که می‌گویند بیام و سلسله سرمایه‌داری جهان‌وطنی است. میهن‌دوستی واقعی از آن خلق زمختی و نیروهای اصیل مدافع خلق و دردرجه اول پیروان سوسیالیسم علمی، به‌انگرا نمنافع حیاتی عمدترین مبارزترین نیروی خلق یعنی طبقه کارگر است.

م، نظر شما در باره موضع گیری اخیر سازمان چریک‌های فدائیی خلق (اکثریت) در مورد کردستان چیست؟  
ج: رفیق‌ها! من دیدم در شماره هفتاد و نه روزنامه «کار» مقاله - ای درباره جنگ کردستان بعد از تهاجم عراق به ایران، نوشته شده که قابل توجه است. در این مقاله، با آنکه مثل کلبه مقالات گذشته روزنامه «کار» و تمام تحلیل‌های چریک‌های فدائیی خلق، تناقضات بسیار دارد، در مجموع نکات مثبتی دیده می‌شود، یعنی یک بار دیگر سازمان چریک‌های فدائیی خلق از موضع برداشت خلقی، به‌همان نتایج رسیده است که از یکسال پیش و با یکسال و نیم پیش حزب توده ایران، البته از «مواقع ایورتونیستی»، به‌آن موضع رسیده بود. مثلاً به این نتیجه رسیده است که از همه بازرتر است!

**رژیم عراق با تبلیغ روی این که کردستان ایران، در پایبندی در برابر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است، آشکارا می‌کوشد خلق کرد را فریب داده بدین وسیله دست خود را در کردستان هر روز بازر کند.** برای رژیم عراق قاجارترین حالت آن است که نیروهای جنبش ملی کردستان ایران با همه نیروهای خلقی در سراسر ایران متحد شوند و با حمایت جدی و فعال از جنبش انقلابی خلق کرد و عرب عراق بهترین پشت جبهه را برای نیروهای جنبش انقلابی خلق عراق بازگشاید.

اما متأسفانه موضع در تمام طول هیئت‌ها گذشته (این سیاست‌ها گذشته با دستان باشد) هیچگاه چنین نبوده است. رهبری حزب دیمکرات کردستان، این قدرتمندترین نیروی سیاسی کردستان ایران، نه تنها هیچگاه عملاً علیه رژیم با نیروهای جمهوری اسلامی ایران حرکت نکرد، بلکه در عرصه هیئت‌ها گذشته (ماهش سازمان چریک‌های فدایی خلق در جبهه متحد با این رهبری همکاری می‌کرده است)، بلکه در همان مسیر کام برداشت که پیش از همه رژیم عراق و در فرسوی آن امیرالهیسم آمریکا را خنثی می‌سازد، رهبری قاسلوی حزب دیمکرات کردستان در تمام طول هیئت‌ها گذشته در راهی که حزب بعث و امیرالهیسم آمریکا را خنثی می‌ساخت قدم برداشت. این جریان در تمام این مدت از گت‌های آشکار و پنهان رژیم عراق که همواره آرزو داشته است ختی کرد و خلق‌های غیر کرد ایران با شدت بیشتری با هم بجنگند، برخوردار بوده است. هم‌اکنون «گومه» نیز با رژیم عراق آشکارا روابط غیر مستقیم دارد. گومه طی هیئت‌ها اخیر از طریق شیخ جلال‌احمد بیک، شیخ الاسلامی‌ها و ده‌ها خاندان عربی دیگر همواره کمک‌های نقدی و تسلیحاتی عراق را «مصادره» کرده است. (مصادره البته تسخراً می‌شود) و پس از هر بار مصادره واسطه‌های تار را ساخته تا دوباره به حرفه سابق خود بازگردند. خوب، ما می‌پرسیم که آیا این چریک‌های فدایی خلق فقط امروز همیدند که سرطول هیئت‌ها، سیاست قاسلوها و کوله‌ها چنین سیاستی سود داشت؟ اینها نوشته‌اند که ما امروز این را فهمیدیم و در این هیئت‌ها اشتباه می‌کردیم. گول اینها را خوردیم بودیم، در به‌اصطلاح «جهت‌معدخل کرد» ما این‌ها همکاری داشتیم، ستاد مشترک داشتیم، همه چیز داشتیم و خوب حالا فهمیدیم که این جور هست و خوب هدرت می‌خواهیم از مردم ایران، از جنبش ضد امیرالهیستی و خلقی ایران که ما هجده ماه گول خوردیم و در این یک دوامه اخیر فهمیدیم. اگر این طور بود، واقعا صادقانه بود، چون درست، چند هفته پیش از آن، درست مکش این طالب را نوشتند («کار» سال دوم، شماره ۷۵، حزب توده و اشتعاب در حزب دیمکرات کردستان.)

در این مقابله که سرتاسر، فحش و تحریف و دروغ نسبت به حزب توده ایران و موضع گیری درست ما نسبت به مسائل کردستان و قاسلوه است، اینها آفتابان به ما این ایراد را می‌گیرند، که شما چطور در آن وقت نوشتید که شما خوب می‌دانید که دولت بعث عراق با ارسال اسلحه و پول و مهمات و آذوقه از گروه‌های وابسته، بخود و دیگر گروه‌های فدائیی از داروستانه شیخ منتان و شیخ جلال و زرکاری گرفته تا کومه و داروستانه سرنگ علبار با تمام قوا پشتیبانی می‌کند. ببینید ما چند ماه پیش چه جنبشی کردیم بودیم. ما این‌ها را یکی نوشته بودیم ۲۲ دسامبر ۵۸، یعنی هشت ماه پیش از آن. هشت ماه پیش ما چنین مطالبی را گفتیم که همین‌ها را اینها الان دارند تکرار می‌کنند. ولی آنوقت، حتی تا یک ماه پیش، دوامه پیش، این برای ما جرم بود. و با این که منتقل از ما می‌نویسند: «گروه قاسلو که خود را مدافع حقوق خلق خلق کرد و ضد امیرالهیستی می‌نامند در ۱۶ ماهه پس از انقلاب، نسبتاً در این جهت مقابله با ضد انقلاب حرکت کرده‌اند، نخستین تحقیق آرمان‌های خلق کرد را نزدیک ساختند است، نخستین مبارز ضد امیرالهیستی خلق ایران باری نرسانده است، بلکه با توطئه‌های امیرالهیسم آمریکا بعث عراق و عمل آنها با هماهنگی کامل عمل کرده است». واقعا که ما چه مطالب و وحشتناکی نوشته‌ایم! با آن که ما خوشحالیم از این که اکثریت چریک‌های فدایی خلق همچنان شناخت درستی رسیده‌اند، (به طور نسبی درست، نه بطور قطعی، زیرا همان‌طور که اشاره شد، در همین مقاله هم تناقضات بسیار جدی وجود دارد)، در همین حال تعجب می‌کنیم که این دوستان ما با هم با چه بی‌پروایی مدعی هستند که سیاست گذشته‌شان درست بوده و فقط پس از شروع جنگ عراق، واقعتاً معلوم شده است. ولی در صفحه سوم از دستشان درمی‌رویم می‌بینیم که تمام این پدیده‌ها بعد از انتخاب حزب دیمکرات کردستان بروز کرده است و نتیجه‌ی تاثیر سیاست حزب توده ایران است که گواش بعث است و این خیانت و فریوردرز بعد مکررات کردستان غلبه کرده است. اول دو - سه صفحه این‌طور استدلال می‌کنند، ولی یک دقیقه طلب را بر می‌گردانند و می‌نویسند در هیئت‌ها گذشته هیچگاه سیاست حزب دیمکرات کردستان و رهبری حزب دیمکرات کردستان در جهت همکاری با انقلاب ایران، جنبش انقلابی واقعی ایران، با نیروهای ضد امیرالهیستی نبوده، بلکه فقط در جبهه ای بوده که امیرالهیسم آمریکا و عراق را خنثی می‌کرده است. با این جمله اخیر مقاله «کار»، ولی رقم تمام تناقضاتی که در قسمت‌های قبلی‌اش وجود دارد، جدا مواقلم و امیدواریم که این شناخت تازه، به دوستان چریک اکثریت ما که گام‌های جدی در جهت تصحیح مواضع نادرست گذشته خود برداشته‌اند، در غلبه بر این خود مرکز بینی، خود محور بینی کمک کند و دیگر نگویند که هر کاری ما در هر لحظه‌ای کرده ایم، درست بوده و وقتی نادرست درآمد، بگویند. حالا وضع موض نوشته‌ای در آن لحظه کار ما درست بوده است. امیدواریم که آن‌ها به این وضع گویی نادرست عاتقه بدهند و یک بار سیاست گذشته و اشتباهات تاکتیکی بزرگی را که در دوران ۱۸ ماهه بعد از انقلاب کرده‌اند، مورد ارزیابی همه جانبه قرار دهند. چون مال قبل از انقلاب را دیگر خودشان قبول دارند که آن چریک‌ها، کار نادرستی بوده است، ولی به اشتباهات بزرگ این هیئت‌ها ماهه بعد از انقلاب و صدمات بسیار سنگینی که با این اشتباهات به مجموعه جنبش کمونیستی ایران وارد آمده است، با یک بررسی بی طرفانه روبرو شوند و دیگر آن‌ها را قبول کنند و در ازای نفعاتی‌های بی اساسی نگرددند، به انتقاد از خود بپردازند.

من در اینجا با استفاده از موضع، می‌خواهم دروغ دیگری را که چریک‌های فدائیی خلق برای «انتباه» نظریات نادرست خودشان گفتند، فاش کنم. این که می‌گویم دروغ، برای این است که ما واقعتاً به آن‌ها اطلاع داده بودیم، یعنی آن‌ها با اطلاع از واقعتاً این دروغ را گفتند و به این جهت هم من روی کلمه دروغ تکیه می‌کنم. آن‌ها نوشتند که حزب توده ایران در ۲۲ دی ماه در نامه‌ای به رهبری کبائوری خطاب به عبدالرحمن - قاسلو، دیمکرات کمیته مرکزی حزب دیمکرات کردستان این مطالب را نوشته است. آن‌ها خواستند این‌طور وانمود کنند که حزب توده ایران هم نسبت به قاسلو تا این تاریخ نظر منفی نداشته، بلکه خیال می‌کرده است که او عنصر مثبتی است. دوستان چریک ما خوب می‌دانند که ما به‌آن‌ها صریحاً گفتیم که این نامه را ما به پیشنهاد جناح انقلابی رهبری حزب دیمکرات کردستان و به‌اصلا جدید آن‌ها، به رهبری حزب دیمکرات کردستان نوشتیم، بدون بردن اسم قاسلو. ما به سازمان چریک‌های فدائیی خلق اطلاع دادیم که حزب توده ایران از اولین روز شروع مجدد فعالیت علمی خود در تهران - نظر خود را نسبت به قاسلو، به دوستان مورد اعتماد در رهبری حزب - دیمکرات کردستان اطلاع داده است. و ما متأسفانه هستیم که در آن تاریخ دوستان ما در آنجا این نظر حزب توده ایران را در باره ماهیت وابستگی قاسلو، نپذیرفتند. به همین علت هم ما سیاست صبر و موعده را در پیش گرفتیم. خود تجربه زندگی می‌بایست به آن‌ها نشان می‌داد که ارز با بی ما نسبت به قاسلو درست است و تجربه درستی کامل آن را نشان داد. این نامه قبل از شکره اخیر حزب دیمکرات کردستان، یعنی وقتی نوشته شد، که ما فکر می‌کردیم با نوشتن آن در رهبری حزب دیمکرات کردستان، جناح ضد امیرالهیستی را در داخل رهبری حزب دیمکرات کردستان، در جهت منزهی کردن قاسلوها، تقویت خواهیم کرد. با آن که ما عین این اطلاعات دقیق را به دوستان چریک دادیم، باز آن‌ها دعوی کردند که نامه خطاب بوده است به رجب قاسلو. این جعل است، نادرست است نامه حزب توده ایران خطاب به کیه مکرزی حزب دیمکرات کردستان بوده است. در آن تاریخ آرا مخالف و موافق قاسلو در کمیته مرکزی حزب دیمکرات کردستان خیلی بهم نزدیک بوده است، تقریباً دهن در مقابل دوازده نفر بودیم گروه قاسلو اکثریت فوق‌العاده ضعیفی داشته و احتمال این می‌رفت است که با این عمل، افشکاری موثرتری علیه جناح همکار بعث انجام می‌گردید و در داخل رهبری حزب دیمکرات کردستان تغییراتی به‌مؤثر می‌توانستیم ایجاد کنیم. وجود آری.

به این ترتیب حزب توده ایران هیچ وقت قاسلو را به عنوان یک عنصر ضد امیرالهیستی، عنصر ملی، شناختند است. ما بارها گفتیم که قاسلو را به همین علت انحراف سیاسی‌اش، از حزب توده ایران اخراج کردیم و هیچ وقت هم حاضر ندشیم که از حزب دیمکرات کردستان به رهبری قاسلو سر یک بر بنشینیم. بی‌اینها قاسلو کوشت کرد که به نام رسمی حزب دیمکرات کردستان با حزب توده ایران، سر یک میز بنشینند و رهبری حزب توده ایران حاضر نشند. حالا چریک‌های فدایی خلق که ۱۸ ماه با قاسلو نزدیک‌ترین همکاری را داشتند و در آخرین مرحله پس از این که ما سند خیانت قاسلو را در همکاری با بعث به آن‌ها دادیم و آن‌ها را بر حذر داشتیم که این‌ها خطرات است که شما با چنین آدمی دارید اعلامیه منتشر می‌کنید، او به شما دروغ می‌گوید، آن اعلامیه را منتشر کردند که امروز باید چوشر با بخورند. آن‌ها در آن مقاله جوابی بر از فحش و افترا و تحریف به ما دادند. ما فقط به تمام افراد سازمان چریک‌های فدایی خلق (چون توده‌ای‌ها احتیاجی به این ندارند) توصیه می‌کنیم که این دو مقاله «حزب توده و انتخاب از حزب دیمکرات کردستان» (شماره ۲۵ «کار» اکثریت) و مقاله اخیر ارکان سراسری سازمان چریک‌های فدایی خلق اکثریت (در شماره ۲۹) در باره جنگ کردستان بعد از تهاجم عراق به ایران را بار دیگر به دقت بخوانند و جملات آن‌ها را با هم مقایسه کنند.

بنظر ما افراد روشن بین و صادق چریک‌های فدایی خلق باید از رهبری خود بخواهند که در ارتباط با این موضع گیری‌های نادرست که صدمات بسیار زیاد به مجموعه جنبش انقلابی ایران وارد آورده است بسک انتقاد خیلی جدی از خود بکنند. ما مستقیم که این انتقاد از خود صادقانه کمک خواهد کرد به تقویت مجموعه جنبش انقلابی ایران، به‌ویژه به خودسازمان چریک‌های فدایی خلق. ما کوشش خواهیم کرد که در آینده، ضمن مقالاتی این مسائل را یک بار دیگر هم تشریح و روشن کنیم.

من، در جلسات «پش و پاش» گاهی صحبت شده‌ام از موفقیت‌هایی که جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در ۲۵ دسامبر ۱۳۵۹ در برابر امیرالهیسم، به‌دست آورده‌اند، از پیروزی‌های بیتام، گامجو، لائوس، نیکولا، موزامبیک، کینه

بماتو، جزائر کاپوردی، اتیوپی، انقلاب افغانستان و بنین نام برده‌ام که همه‌ی جنبش‌های سوسیالیستی داشته‌اند و بعد هم از انقلاب ایران و تحولاتی که در اروپا پدید آمده، صحبت شده است. آیا پیروزی‌های جبهه‌ی سوم امیرالهیستی جهانی فقط در همین موفقیت‌ها خلاصه می‌شود؟ آیا یادآوری تغییرات عظیمی را که در تناسب نیروهای جهانی به‌سود جبهه‌ی سوم - کشورهای سوسیالیستی و به زبان اردوگاه امیرالهیستی روی داده، موفقیت‌های بزرگی را که کشورهای سوسیالیستی به‌دست آورده‌اند، به‌رحمان‌های علمای را که در کشورهای سرمایه‌داری پدید آمدند به‌نام نیمی‌بند؟ از طرف دیگر درباره موفقیت‌هایی هم که امیرالهیسم در این دوران با صدور ضد انقلاب در نیلی، در مصر و اکنون در عراق و در جاهای دیگر به‌دست آورده‌است، باید به‌انداز کافی توضیح داده شود.

ج: رفیقی که این مسئله را مطرح کرده، در مجموع به پیشنهادش حق دارد. ولی فقط توجه نکرده که در بحث‌هایی که تا بحال داشته‌ایم، این موضوع در چه جایگاهی گنجانه شده است. در بحث‌های گذشته ما، موفقیت‌های بزرگ جنبش انقلابی کشورهای «دنیای سوم» در این چارچوب گنجانه شده است که این کشورها قبل از عرصه تسلط امیرالهیسم قرار داشتند. امیرالهیسم با کاملاً بر آنها تسلط، بوده‌مثل کولم، موزامبیک، کینه‌ماتو و غیره و با این که ارتش آمریکا در نبردهای حسین علیه‌آباد بخوان کشورهایی نظیر ویتنام، لائوس و کامبوج می‌جنگیده است، به این ترتیب همیشه از این موضوع در ارتباط با نبرد میان دو نیروی عظیم، یعنی نیروهای امیرالهیستی و نیروهای امیرالهیسم صحبت کرده‌ایم. درست است که بزرگ‌ترین میدان نبرد نیروهای ضد امیرالهیستی و امیرالهیسم عبارت است از نبرد جبهه جهانی سوسیالیسم با امیرالهیسم. درست است که کشورهای سوسیالیستی بزرگ‌ترین تکیه‌گاه جنبش جهانی ضد امیرالهیستی هستند. درست است که در خود کشورهای سرمایه‌داری بین طبقه کارگر و سرمایه‌های انحصاری نبرد فوق‌العاده سختی درگیر است. ولی در این جاهات مبرمات، تغییرات کمی است، یعنی سوسیالیسم در داخل خودش از لحاظ کمی، رو بروتر می‌شود. در جبهه سرمایه‌داری جنبش کارگری نیرومندتر می‌شود و مواضع تازه‌ای به‌جهت می‌آورد. ولی هنوز تغییرات کیفی خاصی در آنجا وجود نیامده است و حال آن که در کشورهای «دنیای سوم» امیرالهیسم با شکست روبرو می‌شود و تغییرات کیفی بنیادی صورت می‌گیرد. و به همین جهت هم ما روی آن زیاد تکیه می‌کنیم. این یکی را ما به عنوان یک روند مداوم همیشه در نظر می‌گیریم، یعنی این سلم است که سوسیالیسم رو بروتر نیرومندتر می‌شود، شکست‌ناپذیرتر می‌شود، مشکلات خود را حاصل می‌کند و هیچ‌گونه بحرانی ندارد. بعضی وقت‌ها در نتیجه برخی نفعات و اشتباهاتی که ممکن است پیش بیاید، کمبودهایی پدید می‌آید، گرفتاری‌هایی بوقت پیدا می‌شود، مثل آنچه که اخیراً در لیبستان پیش آمده است که هیچ گونه ارتباطی با مجموعه روند گسترش و پیروزی سوسیالیسم ندارد و به همین دلیل هم می‌بینیم که خیلی زود رفع می‌شود. نمونه‌های دیگرش هم در گذشته، در مجارستان و چکسلواکی وجود داشته که رفع شده و به‌عکس از بین رفته‌است. آنچه که مسلم است جنبه جهانی ضد امیرالهیستی، جبهه جهانی انقلاب روز بروز قوی‌تر می‌شود و آن را ما همیشه به حساب می‌گذاریم. و اما تغییرات کیفی که در کشورهای یاد شده پدید آمده است، به‌سوی راستین ویژگی را در دهه هفتاد دارد که برخلاف دهه‌های گذشته در گری-هاساست گری-سوسیالیستی، با رهبری طبقه کارگر انجام گرفته‌است. در آن دهه تحولات آنجا با تحولات بندهای ۶۰ و دهه‌های پیش تفاوت است. و این نشان دهنده آن است که تغییرات بندهای در این بخش از دنیای کاپیکه پایگاه اساسی غارت امیرالهیسم است، کیفیت عالی‌تری به‌مقصد می‌گیرد و عمیق‌تر می‌شود. اگر این پایگاه غارت ضلزل گردد، امیرالهیسم اقتدر ضعیف می‌شود و تغییرات بنیادی در درون آن، به‌مسئله روز تبدیل خواهد شد. سپس جهت ما روی این مسئله تکیه می‌کنیم، بدون این که جهات دیگر را به‌هیچ وجه از یاد ببریم.

من، نظر حزب در باره موضع گیری سیاسی سازمان مجاهدین خلق چیست و در مرحله کنونی موضع گیری آنها را ما چگونه ارزیابی می‌کنیم؟ ج: ما بارها درباره سازمان مجاهدین خلق، صحبت کرده‌ایم و نظریات ما این بوده است که سازمان مجاهدین خلق با توجه به نیروهای که با این سازمان گردیده‌اند، به‌طور کلی جز نیروهای خلقی است و متعجب نیستیم که نیروها باید در جبهه متحد خلق علیه امیرالهیسم، علیه ضد انقلاب ایران، علیه فارتگری سرمایه‌داری و بزرگسالکان، در مبارزه عمومی همسو های ترقی ایران شرکت کنند ولی ماهیت طبقاتی یک سازمان سیاسی ممکن است همیشه با سیاسی که آن سازمان بالفعل اتخاذ می‌کند، کسی نتواند، اشتباه رهبری حزب که می‌تواند در دوران سستی به‌تعمیر افراد حزب منتقل شود و حتی مقاومتی هم در مقابل این اشتباه وجود نیاید، می‌تواند سیاست بالفعل این سازمان‌ها را به‌موتوی بالقوه واقعی آنها در تناقض جدی قرار بدهد. ببینید اکثریت طبقه کارگر انگلستان، علمی‌رم نافع طبقاتی خودشی، از آنجا که آگاهی طبقاتی لازم را ندارد، رسراً سرمایه‌داری انحصاری نوشته است آنرا تحت تأثیر تبلیغاتی خود قرار بدهد و از هدف‌های واقعی و حیاتی‌اش منحرف سازد. عملاً و به‌طور ساده از سرمایه‌داری انحصاری که از طریق یکی از دو حزب عمده آنجا، «حزب لیبرورست» و «حزب محافظه کار» وارد میدان سیاست است، به‌تشیب‌سبی می‌کند. طبقه کارگر معمولاً به حزب «لیبرورست» رای می‌دهد، ولی ما می‌دانیم که این حزب از لحاظ موضع گیری طبقاتی داخلی و جهانی‌اش، با حزب محافظه کار که نماینده انحصاری سرمایه‌داری است، هیچ تفاوت اساسی ندارد. در آلمان غربی، نیز اکثریت کارگران معمولاً در سازمان حرب سوسیالیست دیمکرات، به‌عضویتند و با درانتخابات از آن پشتیبانی می‌کنند و ما می‌دانیم که آقای هولوت اشیت، همانقدر نماینده انحصاری سرمایه‌داری آلمان غربی است که آن حزب «اتحاد سوسیالیستی» استراشویسما «اتحاد دیمکرات سوسی» در کشورهای دیگر امیرالهیستی هم وضع بر همین منوال است. به این ترتیب این وضع می‌تواند پیش بیاید که در نتیجه تحولات سیاسی، حتی در درازمدت بین سطوح طبقاتی یک سازمان سیاسی و سیاست بالفعلش تناقض جدی بوجود بیاید. در سازمان چریک‌های فدایی خلق هم همین وضع وجود داشت. ما سازمان چریک‌های فدایی خلق را هم همیشه یک سازمان خلقی ارزیابی کرده‌ایم، سازمانی که می‌تواند بر پایه موضع گیری‌های کلی خود در مسائل اجتماعی در جبهه متحد خلق قرار بگیرد. خوب، طی دوران طولانی این سازمان در موضع گیری‌های بالفعل سیاسی نادرستی، به ریان همان هدف‌های عمومی استراتژیک که برای خودش مطرح می‌کرد، قرار داشت.

به همین ترتیب ما متعجبیم که سازمان مجاهدین خلق نیز در یک وضع بحرانی این جنبش قرار گرفته و گام به‌گام به‌تر در این بحران فرقی می‌شود. یعنی تاریکی‌تری را که از طریق ارزیابی نادرست نیروهای واقعی انقلاب ایران و یومع گیری‌های عمده و غیر عمده، دور خود تنیده‌است، روز بروز صمیم تر می‌کند. الان طوری شده است که خود سازمان مجاهدین خلق مثل این که اجتناب دارد از این که اصولاً بر اساسی‌اش را مطرح کند، این نتیجه همان سردرگمی سیاسی است که رهبری سازمان مجاهدین خلق برای این سازمان بوجود آورده و ما خیال می‌کنیم که الان خود آنها مستولین یا نقالان سازمان مجاهدین باید از این نظر که در مرحله کنونی چه خواهد کرد بگویند، با بحران فکری و سیاسی معضلی درگیر باشند. ما اسماً با اطلاع از نگرانی‌های ما در این در داخل سازمان مجاهدین خلق چه می‌گذرد و آیا این سردرگمی به‌صورت وسیع خودشی بازم ممکن است در جهت عمیق‌تر شدن بروز و آن راهی برای بیرون آمدن از این سردرگمی نیست؟ از این امر ما اطلاع دقیقی نداریم و علت آنهم بیشتر این است که سازمان مجاهدین خلق به‌عکس در لاک خود فرورفته‌است. از نظریات سیاسی سازمان چریک‌های فدایی خلق و از موضع گیری‌هایشان از طریق نوشتن‌هایشان مطلع هستیم و می‌توانیم در باره آن‌ها با تمام صراحت خطر بدهیم. اما در باره

# توطئه مالکان بزرگ و روحانی نمایان شکست خورد

## عمل کنید!

## هیئت های نفی! نوبت شماست

و هرچه زودتر و فاعل تر عمل کرد.  
هیئت های هفت نفری مسئولیت سازمانی  
و حیاتی دارند. حالادیکر آنها ناآید امام خمینی  
و نظریه مجددمشیت سه فقه را نیز با خود دارند.  
آنها از این جانب دلگرم شده اند و از جانب مشارک  
دهقانان نیز قوبدل هستند.

### نوبت عمل نفی هیئت هاست.

طرح و اگذاری زمین هر چه زودتر و کامل تر عملی  
شود. بمعنی انقلاب ما خواهد بود. یکی از پاکاه-  
های امیرالایم و یکی از سرچشمه های استخبار و  
استخبار را در هم خواهد شکست. از یاد نبرم که  
بمعنی اقدامات ضدانقلابی و روشی های لیبرالی  
و مانع تراشی های آنچنانی. در اجرای قانون هیئت  
ما مانع تراشیده و حالا دیگر باید قاطعانه عمل کرد.  
در جبهه اقتصادی نیروی دشوار و طولانی  
رودروری است. باید از هم اکنون خودرا همه -  
چانه برای این نبرد. که هیچگونه کم اهمیت تر  
از نبرد نظامی نیست. آماده کیم. یک تالوده  
ایسی این آمادگی و اگذاری کلمه سبانه دهقانان  
تهدیدت و الفای بزرگ مالکی عارتگر است.  
دهقانان خودشان با مبارزه خود مقاومت در برابر  
فتوادالها. باحق طلبی و هتباری خود. با مراجعات  
مکرر و تظاهرات و نامه های خود. با توسل به مجرای  
و استفاده از مساعدهای رسانه های گروهی. بارها  
و بارها. مستقیما و صراحتا. این واقعت را به  
مسئولان امور می گویند.

هتبارباشیم. حالا که با راهکشی امام خمینی  
مرحله آخر کارشکی ضد انقلابی بزرگ مالکان و  
مسائل آنها تا بکتک روبروشده. باید با دقت فراوان.  
بدون جابج کردن حق. بدون زیاد مروی و پاتجاور  
به حقوق حقه. خرد مالکان. قانون را اجرا کرد.  
باید کلیه زمین ها را به دهقانان زمین بخشیم.  
نظام اربابی را ریخته کنیم. با ایجاد تعاونی ها  
بر روی زمین هایی که با مالکیت متاع بدهقانان  
سپرده می شود. راه تکامل کشاورزی را بگشایم.  
با ایجاد مراکز خدمات فنی و مالی و اداری  
کشاورزی به رشد این رشته حیاتی از اقتصاد کبک  
کیم. با تکیه به نهادهای مدنی و برپا کردن  
جامعه روستایی ایران را از وضع فلاکت زدوموقب-  
مانده بدرآوریم.

دست است که برای حل معضلات کشاورزی و  
مسئله های دیگر برنامه منجمده اجتامی - سیاسی  
اقتصادی لازم است ولی در هر لحظه باید حلقه  
اصلی را در سلسله زنجیر مسائل تشخیص داد.  
کلید کونی حل این مسائل در مرحله اصلی مبارزت  
از عمل قاطع و سریع هیئت های ۷ نفری درحیث  
منافع دهقانان تبهیدستکام اساسی و اگذاری زمین  
را. این هیئت ها باید با دقت و پاهتباری و در  
مین حال با سرعت و با قاطعیت بردارند. تا راه  
تکامل آینه روستای ایران گشوده شود. دهقانان  
چشم براهند و معرانه می طلبند که کار و گذاری  
زمین ها انجام شود. پس از درهم شکستن توطئه  
اخیر مالکان بزرگ و روحانی نمایان شرایط برای  
شروع انجم و اگذاری زمین ها آماده است.  
هیئت های هفت نفری و مقامات مسئولین!  
نوبت شماست!

تهدید و کتبته انداد امام هستند و همان ها نیز  
وتبته اجرای آن. از این تصمیم و از اجرای هرچه  
سریعتر و دقیقتر آن انقلاب ما سود خواهد برد.  
از این تصمیم. امر بسیج میلیون ها دهقان در نبرد  
سلحشانه علیه دشمن تجاوزکار سودخواهد برد.  
زیرا که با اجرای آن دهقانان می دانند که از زمین  
خودشان مدافعه می کنند. از این تصمیم امر تولید  
کشاورزی و رسیدن به حد مقدور خود کفائی شود  
خواهد برد. زیرا که با اجرای آن دهقانان می دانند  
که جمعی کارشان دیگر به جیب بزرگ مالک  
نخواهد رفت.

دهقانان ایران در وسعت کشور ما نشان دادند  
که به حقوق حقه خود واقفند و دیگر با لالائی های  
گذشته مالکین به خواب نمی روند و مرغوب عمل  
چاق به دست پاتسیب به دست آنها نمی شوند.  
دهقانان زحمتکش قاطعانه قوی تر از هیئت های  
۷ نفری ملغور و اگذاری زمین حمایت کردند و عمل  
هر چه زودتر و تعیین سریع تکلیف زمین ها را  
خواستار شدند. آنها با حق طلبی. قاطعیت و  
هتباری خود دست در بر سپینه مالکین و بلندگوایان  
مالکین و کسانی که به نام روحانی به دهات انجم  
شده بودند. گذاشتند و نقش تاریخی بزرگی در  
پشتیرو جامعه ما و حل یکی از حادثترین و مبرم -  
ترین مسائل آن ایفا کردند.

نهادهای انقلابی. به ویژه جهاد سازندگی و  
سپاه پاسداران در همه استان های کشور سهم عالی  
و شایسته و حیثی را در حمایت از دهقانان نیتی-  
دست و مقابله با اعمال گوناگون ملاکین بزرگ ادا  
کردند و نشان دادند که در این عرصه حیاتی  
نیز واقفانه و توان پرافتخار "نهادهای انقلابی"  
هستند.

لولوی نقشه کمونیستی و مترک ضد اسلامی  
در این نبرد حقه و باطل کارگر نینتاد. طرفداران  
اسلام راستین نشان دادند که در کسور کشاورزی  
و نیرومندی بسیار برخوردارند و در برابر منافین  
و القاب "وفاض السلاطین" و حشز زده عقب نشینی  
نمی کنند. بلکه قاطعانه از حقوق مظلومین و آزردن  
راستین و انقلابی مکتب مدافعه می کنند. آنها تبهیت  
روحانی نمایان را که می توانست میلیون ها دهقان  
را به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدین ونه  
امید سازد. نقش بر آب ساختند.

قوای انقلاب نیرومندند. ولی پایان یافتن این  
مرحله از هموردی بزرگ مالکان و عمال آنها علیه  
برنامه انقلابی اصلاحات ارضی به منای تسلیم  
شدن آنها نیست. اگر هرچه زودتر قانون اجرا و  
بزرگ مالکی ریخته نشود. این زالوها و ریزه -  
خواران آنها جان خواهند گرفت و بار دیگر به  
انقلاب. بدهقانان زحمتکش و به نظام جمهوری  
اسلامی ایران حمله خواهند برد. برای آنها اقدام  
در حیاتی ترین لحظات. همچون تجاوز نظامی دشمن  
نه فقط اهمیتی ندارد. بلکه مسبب و مساعد هم  
بتبار می رود. باید تمامی ابتقاد خطری را که از  
ناحیه بزرگ مالکی متوجه جامعه ماست. در کمر کرد

آید و یکسانی و قاطعیت تمامی مردم انقلابی را علیه  
توطئه های ضدانقلابی آشکار سازد. به کمک این  
روحانی نمایان. که مسخ گشوده روح اسلام  
انقلابی اند. مالکان غارتگر بر طرفه افکی اعزاز کردند.  
تحریک و شتخ آفرینند. فتواداد دهات بخش  
کردند. عملا در صف ضد انقلاب قرار گرفتند و  
برای دشمن متجاور مرتضی های متمم ایجاد کردند.  
بار دیگر دو خط. آشکارا. در برابر هم قرار  
گرفتند. در کنار دهقان زحمتکش و حق طلب. همه  
انقلابیون صدیق. همه مسلمانیان مستبدر استین  
و روحانیات مبارز انقلابی و پیروان خط امام. و در  
مقابل آن. در کنار مالکان بزرگ و عناصر ضد  
انقلابی. شستی چافادار و گردنکش و عده های  
روحانی نما. که با اقدامات خود برای انقلاب و  
اسلام ستک آفرینی می کنند. این خط دوم در حجاب  
ترین لحظات تجاوز نظامی دشمن. خائشانمی.  
خواست ضربه بزند و جامعه ما را بهم بریزد. کار  
را ببرد و خورد و دعوای داخلی بکشد و ناامنی  
و شتخ در پشت جبهه مطیم سرد ایجاد کند.  
کار اخلاکگری و حرفابکاری آنها به اینچارسیدکه.  
مانع انجام وظیفه هیئت های ۷ نفری در برخی  
نقاط شدند و مقامات مسئول و سطوظوز بر کشاورزی  
ناچار شدند به امام خمینی مراجعه کنند.

اهمیت ره نمود قاطعی امام خمینی. بر هر انقلاب  
و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران. در آخرین  
هفته ها مهملر. که یکبار روز سوم آن در مطبوعات  
و بار دیگر ۱۵ آبان در رادیو و تلویزیون توسط  
آقای سلامتی وزیر کشاورزی اعلام شد. در همین  
است که خط دهقانان و انقلابیون. صراحتا و بیگیرانه  
مورد تأیید قرار داده شد.  
به این ترتیب مابیت تشنات ضد انقلابی و  
ضد اسلامی خط بزرگ مالکان و بلندگوایان آن نیز  
افتا گردید و راه برای عمل هموار شد.  
در این روز اعلام شد که امام خمینی مسئله را  
بمتمم گیری مشترک آیت الله منتظری. آیت الله  
بهشتی و آیت اله مشکینی محول کردند. تا برای  
پنهان مویبان خرابکار دیگر از نظر فقهی نیز هیچ  
گونه جای ایرادی باقی نماند. جلسه مشترک سه  
تن فقهی. که قبلا نیز طرح اصلاحات ارضی با  
واگذاری و احیای زمین را تأیید کرده بودند. به  
این نتیجه رسیدند که طرح موبوه شورای انقلاب  
تأیید و کفافی السابق اجرا شود و روی اجرای آن  
دقت بیشتری هم می شود. به این ترتیب. در صاف  
تازه ای که مالکان بزرگ بر جامعه ما تحمیل کردند  
و در شتخ خطرناکی که به وجود آوردند. باطل  
شکست خورد و حق به گرمی نشست. بار دیگر  
ضرورت اجرای دقیق قانون اصلاحات ارضی و شروع  
عمل هیئت های هفت نفری تأیید و تصریح گردید.  
پشتیان این تصمیم میلیون ها دهقان ایرانی.  
همه نیروهای انقلابی و مترقی. سپاهای انقلابی  
نظرسپاه پاسداران و جهاد سازندگی و هیئت های  
هفت نفری. مسئولان تشهد بنیاد منتظمین و  
کمتهای انقلاب و دادگاههای انقلاب و بنیاد

برای آن که میلیون ها دهقان در حکمت  
آمریکائیت در دهستان مدام مسیح شود و ارتش  
سلسله ای با تمام قدرت خود را به مسخری  
توطئه گرانمايد. ضروری است که هر چه زودتر  
فائو و اگذاری زمین اجرا شود. به طاعت بزرگ  
مالکی بر جبهه گردد و گله زمین ها بدون استناده  
بدهقانان بی زمین و گرمسین داده شود.  
برای آن که میلیون ها دهقان را زمین زبزرگترین  
محصار اقتصاد آمریکا از خطر حصار سازو آرزای  
عمومی درهم شکسته شود و بنوامس محمولات مورد  
سبار اساسی زراعی و دامی را در داخل کسور تولید  
کیم و در جبهه اقتصاد سر دشمن را بهراسو  
در آوریم. ضروری است که هر چه زودتر عانسون  
واگذاری زمین را اجرا کیم و به منطقه عارنگرانه  
وفاداد زمین داری بزرگ با یان دهم و همه دهقانان  
راضاحب زمین و آب و محصول کار خویش گردانیم  
مشغولیم یک مسئله حیاتی و گرمی و اساسی  
جامعه انقلابی ما است. انقلاب ما نتکتم خواهد  
شد و معینی خواهد رفت. اگر حق را به خود دار  
و زمین را بدهقان برساند و برای زمین موقاطعانه  
و از رسته نظام بزرگ مالکی را نابود کند. انقلاب  
ما نصف خواهد شد و متزلزل خواهد گردید و  
در معرض انواع توطئه ها از بیرون و بیرون فترار  
خواهد گرفت. اگر بار هم بغیابای نظام فتوادالی  
معهای مادی و بزرگ مالکان شیشه عمر اقتصاد کشاورزی  
ما را در دست های چپاولگر. ناپاک. فاسد و  
فاسد خود نگه دارند.

جنگ با مدام و روباوری صریح با توطئه های  
براندازی آمریکا. بار دیگر این مسئله حاد و اساسی  
را در دستور روز جامعه ما قرار داد و اهمیت و  
حدت آن را ثابت کرد. هم زمان با حمله و تجاوز  
و توطئه افروزی کشور. موجی ضد انقلابی علیه  
قانون موجود موبوب شورای انقلاب و آئین نامه  
اجرائی آن برخاست. تشنات نه تنها از حساب  
مالکان بزرگ و عوامل مسلح و جاسفداران و  
وابستگان اداری آنها احیام گرفت. بلکه گروهی  
از روحانیون وابسته به معام فتوادالی و مویبی  
های طاعوتی. با دقت بزرگ و کیم. روحانی نمایانی  
که با سوء استفاده از مقام و نام خویش اسلام اصیل  
را بدنام می کنند و مقاصد نادرست. ضد اسلامی.  
ضد انسانی و مستکراه خویش را در پشت فتوا -  
های آنچانی پنهان می کنند. به میدان آمدند و  
به میدان فرستاده شدند.

در حالی که مسلمانان تشهد راستین و روحانیات  
مبارز پیرو خط امام در راه احقاق حقوق مستغنیان  
دهمی رو می و می خواهند یکی از ماسد ترین و تباه  
ترین رسته های استخبار را. که بزرگ مالکی و غارت  
میلیون ها دهقان است. برکنند. این "وفاض  
المالکی". که سابقا مداع السلاطین سزوده اند.  
داد و برد را آوردند که "اسلام از دست رفت و"  
دین نابود شد.  
در حالی که هیئت های هفت نفری با شوکت  
نابندگان نابینی و مراجع دینی ز نهادهای  
انقلابی کار تحقیقی خود را به پایان می رسانند و  
می خواستند مرحله عملی واگذاری اراضی را آغاز  
کنند. این "وفاض المالکی" فنان گردیدند که:  
"دارد کمونیستی می شود" و "تبار ووصو  
... باطل می شود و ...  
در حالی که لازم بود تمام جامعه ما. یکپارچه و  
متحد. مسیح شود و مانند متنت محکم. و به کتبه  
امام خمینی دست واحد ۳۵ میلیون جمعیت  
بر پوز مدام مسجار و حجابان آمریکایی او وارد

بقیه از صفحه ۵

مجاددی خلق فطعی می توایم بگویم که این توی لاک رفتن شما با منافع  
انقلاب ایران منقطع هیچگونه ربطی ندارد. بلکه به تمام منافع گذشتن  
نیروی قزلباش از سازو ان انقلابی در یک لحظه. حسان تاریخ انقلاب  
ایران است و این تنها سودمند انقلاب است. تنها به سود دشمنان انقلاب  
است. این است آنچه که ما در باره سکوت واقعا سوال انگیز رهبری سازمان  
مجاددی خلق می توایم بیان کنیم.  
س: ما نوبت های خائن و در راس آنها سازمان "بیکار". در رابطه  
با جنگ محمیلی امیرالایم به جمهوری اسلامی ایران. به سپاهانی علیه  
انقلاب متعولند. مثلا "بیکار"ها. علنا توهانرا به خیال خود به منصرف  
از دفاع از میهن و انقلاب می خوانند. آیا به نظر شما جوانان صادق. اما  
فروپ خورده ای که به دنبال این عناصر هستند. نباید راهنمایی شوند؟  
ج: یکی از دقیق ترین اربابی های حزب ما در باره "ترجمه های پوک  
است. البته ما متعهد نیستیم که همه ترجمه های پوک را باید ما نوبتیم. به  
مسئومی که در مورد سازمان رنجبران به کار می رود. نامید. بعضی از این  
سازمان های وابسته ترجمه های پوک ظاهر خودشان را از نظریات مائو. کنار  
می گیرند و معتقدند که با طرفدار نظریات آلبنانی هستند و با طرفدار نظریات  
"نواچی" که بعدا متولد خواهند شد و اینها قبلا توانستند نظریات  
داهبانه آن ها را کشف کنند. اینها امتال همان "رزمندگان" و "سازرزان  
و سارزین و عبیره هستند. سازمان بیکار هم یکی از اینها است که خود  
را دیگر ما نوبتیم می داند. در همین حالی که تقریبا کل و لای تمام نظریات  
مائویشی در افکار و اربابی های باقی مانده است. نقش کاین ها از اول  
انقلاب تا کنون بازی کرده اند. عملا همان نقش ضد انقلاب و امیرالایم  
است. حال رهبری این گروه ها آگاهانه جسین نقش ر بازی کرده اند. باین که فضا  
متحرک موبوب شده است که در برخورد به مسائل اجتماعی با "اعتقاد خود  
چسب فنی داشته باشند. این راتاریخ با بد روشن کنند. آنچه مسلم هست.  
این مسائلی که بر گروه ها از بیکار گمان تا "طوفان" و "رزمندگان"  
و عبیره عملا عبیب کرده اند. درست همان چیزی است که امیرالایم در  
ایران حواسار آن بوده است. خواست امیرالایم این بوده است که بین  
سروهای زانسیس انقلاب ایران. در درجه اول بین نیروهای مسلمان انقلابی  
و سروهای هوادار سوسانسیم مغرقه و نقای بیافند و از این راه هم بین  
جمهوری اسلامی ایران و پشیبانیان جهانی اش که در درجه اول عبارتند از  
کشورهای اصل سوسانسیسی و احزاب کمونیست سراسر جهان. این در آن  
توصیفانه صروف برزیکی به آفای وس بطور خیلی روش دیدمی شود و  
گاملا هم قابل فهم است. "تفرقه بینداز و حکومت کن". کجا باید تفرقه  
بباندازی؟ آنجا که از همه مهم تر است. خوب. چه کسی می تواند در این  
زمینه بهترین نقش را بازی کند؟ کسی که پرچم قرمز بلند کند و داس و  
چکش هم بر آن بزند. ولی عین سیاست آمریکا را در ایران پیاده کند.

# انقلاب ایران در مقابله با تجاوز آمریکا رژیم صدام به جمهوری اسلامی ایران

موفقیت های امیرالایم در زمینه فعالیت خرابکاری و تبلیغاتی اش این است  
که توانست متاصری از این قماش را در تمام دنیا تجهیز کند. باید بگویم  
برایشان درست کند. متکشان کند و به جان جنبش های اصل انقلاب  
ببازداند. البته این مختص به جامعه ایران نیست. اینها در تمام جوامع  
هستند. در تمام کشورها هستند و سیاستشان هم همین است که در اینها  
به کار می برند: سیاست آناشستی و تخریب در امر تجیح نیروهای خلقی  
ضد امیرالایستی.  
ما باین پیشنهاد که با مقالات توضیحی بیشتر جوانان فریب خورده ای  
را که به دنبال اینها هستند. راهنمایی کرد. موافق هستیم. ولی من امید  
زیادی به شما نمی دهم که این کار موفقیت زیادی در پی داشته باشد. ما این  
کار را می کنیم و وظیفه ما هم همین است. ولی وقتی این همه واقعیات سر-  
سخت روزمره. نتوانند آنرا از ما فرز این عناصر بیرون بکنند و به آنها  
بفهماندند که قاتان حرف ها که شما می زیند. همشانی برت و بلاست. انحرافی  
و بمعنی دشمن است. وقتی این همواقعیات جهان نتوانند آن ها را راهنمایی  
کنند. مقالات ما البته نمی تواند اعجاب کند. ما به عنوان یک وظیفه حزبی.  
این مقالات را هم خواهیم نوشت. ولی من به مابعضی از رفقا توصیه می کنم  
که واقعا در این زمینه بیشتر تعمق کنند. گاهی اوقات بحث کردن با اینها  
اصلا فایده ای ندارد. وقت تلف کردن است. به تمام معنا وقت تلف کردن  
است. شما اگر این وقت را صرف بکنید برای با سواد کردن یک کارگری -  
سواد. ارزش اجتماعی و تاریخی اش به مراتب بیش از آن است که بشنید  
با اینها بحث کنید. اینها فرز و فکرشان مسخ شده است. این یک پدیده  
تاریخی است و هیچ کاریش هم نمی شود کرد. کتاب و نشریه و توضیح  
اندازه کافی وجود دارد که اگر کسی دارای کمترین حسن نیت و کمترین ترمش  
برای پذیرش منطق باشد یعنی غرض متحجر و منجمد نشده باشد. با مراجعه  
به آن ها خیلی از این لاطاللات از مغزش بیرون می رود. ما می بسیم کملی  
یک سال اخیر چنین تحولاتی مثلا در جرگه های فدائی خلق (اکثریت)  
صورت گرفته و این نشان دهنده آست که خوب همین واقعیات و همین  
انتشارات و همین توضیحات توانسته است. متاصری را که دچار تحجر فکری  
نشدند. از مواضع بسیار نا درستی که داشتند تدریجا به مواضع درست  
راهنمایی کند. ولی در مورد "بیکاری"ها و امتال آن ها می بسیم کاینها  
درست تأثیر معکوس دارد. بعضی روز روزهای بیشتر دارند به طرف دیگر. به  
طرف اصل السلاطین تاریخ پیرویی می کنند. در همین زمینه مابعضی  
اعلام میهای از آن ها دیده ام که تعجب انگیز است و واقعا فقط می شود  
تعجب کرد که چگونه ممکن است کسی ادعا کند که من مارکسیست هستم.  
کتاب مارکسیستی خوانده ام و از مارکسیسم چیزی فهمیده ام و آن وقت در  
چنین لحظه های این لاطاللات را بنویسند و در حوزستان اعلامیه بدهند که  
جنگ ایران و عراق را باید به جنگ خلق علیه ارتجاع تبدیل کرد!

ما خیلی خوشحال هستیم که در رهبری جمهوری اسلامی ایران بالاخره به  
این نتیجه دست رسیده اند که یک "چپ" آمریکایی در ایران وجود  
دارد. مدت ها طول کشید تا به این نتیجه رسیدند. در اوایل چنین نظری  
نداشتند. همرا کمونیست می پنداشتند. همه را هوادار و آقتن جنبش اصل  
سوسالیسم علمی و کمونیسم علمی تصور می کردند و می گفتند کمونیست ها  
همه تیان همین هستند. ولی امروز آن ها را از هم تفکیک می کنند و باید بگویم  
که اینها هم درایت امام خمینی در امر تفکیک "چپ" آمریکایی و چپ -  
اصل انقلابی ایران تأثیر تعیین کننده داشته است. "چپ" آمریکایی آگاهانه  
باغیر آگاهانه نقش مخرب. نقش ستون پنجم امیرالایم را ایفا کرده می کند  
و در این درگیری اخیر. در این تجاوز عراق. سپاه و امنی خود را بطور  
کاملا روشن نشان داده است. در مورد چپ اصل انقلابی ایران هر قدر هم  
تکرار کنند که "وابسته" به شوروی است. ولی نمی توانند انکار کنند که این  
چپ اصل از انقلاب اسلامی ایران مادقانه و به طور بیکری پشتیبانی کرده  
می کند. هر چه می کاوند ای برادری نمی توانند به او بگیرند. می می گویند  
شما ته دلان این طور نیستید. ولی در عمل نمی توانست کوچکترین برادری  
بگیرند که حزب ما در پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران ذره ای کوتاهی  
کرده باشد.  
خوب این "چپ" آمریکایی. نوانسته است عده ای از جوارهای ما را که  
اکثرا از قترهای مرفه جامعه هستند. به دنبال خودش بکشد. در این جا  
یک پایه طبقاتی وجود دارد و یک عنصر فهم و ادراک. این دو درهم تاثیر  
می کنند. دارندگان گرایش های "بیکار". گرایش های "چپ" آمریکایی. "چپ"  
آناشستی. "چپ" ضد پرولتری. از لحاظ پایه طبقاتی نمایندگان افشار  
متوسطی هستند که سرمایه داری بزرگ آن ها را به ورعشکنی می کشاند و در  
نتیجه روح عصیان و شورش در آن ها برمی انگیزد و چون این افشار معمولاً  
محیط اشتغال خودشان بی ارتباط نیستند. در عین این که با تمام وجود  
در محیط مرفه استثمارگران قرار دارند. خود را بهانگران گرایش های خلقی  
توده ای و صد سرمایه داری می پندارند با معرفی می کنند. این است پایه طبقاتی  
آن ها.  
اما از لحاظ پایه فقهی و ادراکی. اگر شما با هر کدام از اینها صحبت  
کنید. می بینید در سطح فوق العاده پاهینی از فهم و ادراک قرار دارند. از  
درک صحیح عادی ترین مسائل عاجزند و در زمره عناصر بسیار عقب افتاده ای  
هستند که وقتی چیزی در مغزشان مرور رفت. هر قدر هم آن چیز درست  
باشد. هیچ واقتنی. هیچ منفطی. هیچ علمی. نمی توانند آن را از مغزشان  
بیرون بکنند. بدین جهت است که وقتی شما با این افراد برخورد می کنید.  
از تحجر فکری آن ها. از سردرگمی های آن ها. از موهوماتی که در مغزشان وجود  
دارد. دست دچار تعجب می شوید. آن ها موهومات خود را. علی رغم کوهی  
از دلایل و واقعیات مسلم و مبرهن تاریخی و اجتماعی که در رد آن وجود  
دارد. مدام تکرار می کنند. اینها از فماتر. عجیب و غریبی هستند و یکی از

ما خبلی خوشحال هستیم که در رهبری جمهوری اسلامی ایران بالاخره به  
این نتیجه دست رسیده اند که یک "چپ" آمریکایی در ایران وجود  
دارد. مدت ها طول کشید تا به این نتیجه رسیدند. در اوایل چنین نظری  
نداشتند. همرا کمونیست می پنداشتند. همه را هوادار و آقتن جنبش اصل  
سوسالیسم علمی و کمونیسم علمی تصور می کردند و می گفتند کمونیست ها  
همه تیان همین هستند. ولی امروز آن ها را از هم تفکیک می کنند و باید بگویم  
که اینها هم درایت امام خمینی در امر تفکیک "چپ" آمریکایی و چپ -  
اصل انقلابی ایران تأثیر تعیین کننده داشته است. "چپ" آمریکایی آگاهانه  
باغیر آگاهانه نقش مخرب. نقش ستون پنجم امیرالایم را ایفا کرده می کند  
و در این درگیری اخیر. در این تجاوز عراق. سپاه و امنی خود را بطور  
کاملا روشن نشان داده است. در مورد چپ اصل انقلابی ایران هر قدر هم  
تکرار کنند که "وابسته" به شوروی است. ولی نمی توانند انکار کنند که این  
چپ اصل از انقلاب اسلامی ایران مادقانه و به طور بیکری پشتیبانی کرده  
می کند. هر چه می کاوند ای برادری نمی توانند به او بگیرند. می می گویند  
شما ته دلان این طور نیستید. ولی در عمل نمی توانست کوچکترین برادری  
بگیرند که حزب ما در پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران ذره ای کوتاهی  
کرده باشد.

ما خبلی خوشحال هستیم که در رهبری جمهوری اسلامی ایران بالاخره به  
این نتیجه دست رسیده اند که یک "چپ" آمریکایی در ایران وجود  
دارد. مدت ها طول کشید تا به این نتیجه رسیدند. در اوایل چنین نظری  
نداشتند. همرا کمونیست می پنداشتند. همه را هوادار و آقتن جنبش اصل  
سوسالیسم علمی و کمونیسم علمی تصور می کردند و می گفتند کمونیست ها  
همه تیان همین هستند. ولی امروز آن ها را از هم تفکیک می کنند و باید بگویم  
که اینها هم درایت امام خمینی در امر تفکیک "چپ" آمریکایی و چپ -  
اصل انقلابی ایران تأثیر تعیین کننده داشته است. "چپ" آمریکایی آگاهانه  
باغیر آگاهانه نقش مخرب. نقش ستون پنجم امیرالایم را ایفا کرده می کند  
و در این درگیری اخیر. در این تجاوز عراق. سپاه و امنی خود را بطور  
کاملا روشن نشان داده است. در مورد چپ اصل انقلابی ایران هر قدر هم  
تکرار کنند که "وابسته" به شوروی است. ولی نمی توانند انکار کنند که این  
چپ اصل از انقلاب اسلامی ایران مادقانه و به طور بیکری پشتیبانی کرده  
می کند. هر چه می کاوند ای برادری نمی توانند به او بگیرند. می می گویند  
شما ته دلان این طور نیستید. ولی در عمل نمی توانست کوچکترین برادری  
بگیرند که حزب ما در پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران ذره ای کوتاهی  
کرده باشد.

# امام خمینی: امروز طر حبهائی که اینها (دشمنان انقلاب) میخواهند پیاده کنند، از آنوقت شدیدتر است

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طی یک سخنرانی در مقابل وعاظ، گویندگان و خطبای مذهبی، به مناسبت نزدیک شدن ماه محرم، مطالب مهمی ایراد کردند. امام خمینی بر جنبه سیاسی مجالس و عطا در ماه محرم تأکید کردند و آنرا برای پیشبرد انقلاب دارای دایره بزرگ تفسیر نمودند. امام خمینی تأکید کردند که اربابان رضاخان و محمدرضا خان تلاش میکردند که مجالس و عطا را از جنبه سیاسی آن خالی کنند. امام خمینی در مورد توطئه‌های دشمنان انقلاب ایسران علیه روحانیت مبارز و انقلابی از جمله گفتند:

ما باید گمان نکنیم که مسائل ایران حل شده است، تمام شده است. هم مسائل فرهنگی تمام نشده است. و هم سایر مسائل. شما هیچوقت خوف از این نداشته باشید که دولت فاسد عراق حمله کرده است و دارد مثلا کارهای خلاف میکند، از اینها هیچ موقع خوف نداشته باشید. اینها نمی توانند کاری انجام بدهند. شما از این خوف داشته باشید که اینها داشته باشند، حالا بیشتر داشته باشند... امروز طر حبهائی که اینها میخواهند پیاده کنند از آنوقت شدیدتر است و ما باید بیشتر چشم و گوشمان را باز کنیم. امام خمینی، سپس خطر تبلیغات دشمن علیه روحانیت مبارز و انقلابی و خط رهبری انقلاب را یادآور شدند و از جمله گفتند:

«تبلیغات اینها برای مضررش بیشتر از جنگهاست. ساده نباید برخورد کرد با این تبلیغات ما از جنگ چه ترسی داریم. به ملت که حاضر است برای شهادت و شهادت را فوس عظیم میدانند چه باکی از این مسائل دارد از اینکه باکی نیست تازه وقتی که یک جنگی شروع میشود ملت ما بیدار میشود بیشتر متحرک میشود شما ببینید در این جنگی که به ایران تحمیل کردند و انتحاس خن به اسلام مخالف سرسخت اسلام این جنگ را به پا کردند ایران چه جزویرازندمتند. یکبارچه ایران دوباره انقلاب کرد و توجه کرد به يك مقصد سرتاسر ایران کدام کار ممکن بود که اینطور

## مناسبات اتحادیه‌های کارگری شوروی و نیکاراگوئه گسترش می‌یابد

میان اتحادیه‌های کارگری اتحاد شوروی و نیکاراگوئه موافقت نامه‌ای به امضاء رسید که بموجب آن اتحادیه‌های کارگری شوروی به رفقای نیکاراگوئه‌ای خود در سازمان دادن به تنظیم برنامه‌های توسعه اجتماعی کمک خواهند کرد. بنابه گزارش روزنامه تروود، این موافقتنامه در جریان بازدید دوستانه يك هیئت از سازمان اتحادیه کارگری ساندرنیستاز شوروی به امضاء رسید. گروهی از مشاوران اتحادیه کارگری اتحاد شوروی بزودی برای يك اقامت سه ماهه و کمک به اتحادیه‌های کارگری نیکاراگوئه راهی این کشور میشوند. همچنین فراست گروهی از کارشناسان اتحادیه‌های کارگری نیکاراگوئه مدت ده ماه در شوروی تحت آموزش قرار گیرند.

## بقیه از صفحه ۱

توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی گفت: در ضمن توصیه‌ها اینست که در این شرایط توجه یکنند بازم ضدانقلاب که ناامید شده از تهاجم نظامی، چون این تهاجم نظامی آخرین تیر ترکش بود، باز شروع کرده به جنگ تبلیغاتی در داخل بر علیه روحانیان، ما، بر علیه نیروهای خط امام، ما، در جهت ایجاد تفرقه بین جناحهای مختلف مردم، در جهت تفرقه بین برادران نظامی و غیر نظامی، اینها را توجه کنید، مراقب باشید که توطئه‌های ضدانقلاب ادامه دارد. فراتر کنید که تمام شده و همگی در جنگ خلاصه شده. توطئه جهانی دارند. آمریکایی که خلیج عقبه اردن را در اختیار عراق گذاشته و شبانه روز در خدمت عراق است، با امنیت کامل، امنیت از طرف اسرائیل که در کناره بندر ایلات است، امنیت از طرف آمریکا که اردن رژیم است - نشانه‌اش است و دارد تدارکات تأمین می‌کند برای خودش در رسانه‌های گروهی اعلام می‌کند که اگر گروگانها بترسی دانه شود آمریکا تدارکات نظامی برای ایران تأمین می‌کند. اینرا فقط هم در حرف می‌گوید، حتی در گذشته به قراردادهای خودش هم عمل نکرده بود آمریکا، این را می‌گوید دلیل اینکه انقلاب ما را از لحاظ تبلیغاتی در جهان وابسته نشان دهد، توجه بکنید همه این توطئه‌ها بخاطر اینست که انقلاب نتواند این مرحله حساس و بحرانی را به سر برساند. فقط به شما بگویم که انقلاب ما اشغال است پس از پیروزی در این جنگ و پیروزی در این مرحله انقلابی خواهد بود که دیگر توطئه‌های بر علیه‌اش پیدا نمیشود. حتی شروع شود، چرا که توطئه‌ها وقتی قطع می‌شود که احسلی بشود که انقلاب مانسکت لا پذیر است، قدرتمند است.

وی در پایان سخنانش از رشادت و جانبازی برادران آبادانی که سرسختانه در مقابل متجاوزین صدام به دفاع از شهرشان مشغولند یاد کرد و اظهار امیدواری کرد که پیروزی نزدیک است.

سپس حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام‌جمعه تهران و دبیر وقت کمیته شورای عالی دفاع، به ایراد خطبه‌های نماز جمعه پرداخت. وی در باره ادامه انقلاب و مبارزه با امان مردم علیه امپریالیسم آمریکادار رابطه با انتخابات آن کشور از جمله گفت: در دروس قدرتهای بزرگی که با ملت ما و اسلام ما و جمهوری ما مخالفت می‌کنند استکبار آمریکاست که از هیچ وسیله‌ای برای نابودی انقلاب اسلامی فروگذار نمی‌کند. مسئله اول اینست که موضع ما در مقابل آمریکا چیست؟ ۱۵ سال قبل امام ما در آغاز این مبارزه سر می‌گذاشتند

## حجت‌الاسلام خامنه‌ای: باز هم با آمریکا جنگیم

رئیس‌جمهور آمریکا بدانند که امروز مینوس‌ترین و منفورترین چهره‌ها در نزد ملت ما اوست. این خط ضد آمریکایی انقلاب ما را ترسیم کرده. حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: امروز مسئله گروگانها و همچنین مسئله تغییر دستک رهبری آمریکا، این سؤال را بوجود می‌آورد لاطر در ذهن بعضی از مردم، که آیا سیاست جمهوری اسلامی در برابر آمریکا چیست؟ آیا کوشش مجلس شورای اسلامی برای حل مسئله گروگانها بمعنای تغییر مشی سیاست دولت جمهوری اسلامی دستگاه اجرایی در مقابله با آمریکا است. جواب اینست که نه. همان‌روزی که ما، همان‌طوری که ما در يك روز با اصل مسئله گروگانگیری، سیاست نفوذ - تپذیر سلطه آمریکا را در نظر دنیا به وضاحت و رسوایی کشانیدیم، امروز هم با طرح مسئله گروگانها، آنچه‌ای که در مجلس شورای اسلامی مطرح شد، دنباله همین حرکت را ادامه می‌دهیم. دنیا امروز میدانند و می‌فهمند که ملت ایران که نمایندگانش در مجلس شورای اسلامی تصمصیم گرفتند دولت ایران که خود منتخب مردم است و مجری احکام و مقررات مجلس شورای اسلامی است، در برابر مسئله گروگانها يك حرف حق و شروع داشته است و گروگانها دستکگاه جاسوسخانه آمریکاییان در ایران سند محکومیت سیاست آمریکا در ظرف ۳۰ سال گذشته و همچنین در ظرف دوران پس از انقلاب تا روز تصرف لانه جاسوسی در موضع گیری‌های علیه ایران است. ما مسئله گروگانها را با دل بطش و خاطر جمع برای دنیا مطرح کردیم و این به معنای اینست که ما يك برگ دیگر از برگهای پرده‌نمایی آمریکا در برابر حاکم را در مقابل مردم جهان رو کردیم و نشان دادیم. در مسئله گروگانها، نظر ما این بوده است، یعنی نظر ملت ایران، این بوده است که آمریکا را بتواند يك دولت متجاوز و دخالت‌کننده در امور داخلی ملت‌هایی که آنها را زیر فرمان خود میخواهد، به دنیا معرفی کند، اینکار را کردیم و با این آخرین عمل و اثر است شرایط آزادی گروگانها که مجلس شورای اسلامی مقرر کرده است بزم حمایت خود را االیات می‌کنیم. این به معنای خانه‌جنگ ما با استکبار آمریکایی است. وی افزود: «باز هم با آمریکا می‌جنگیم. زیرا آمریکا ظالم است، زیرا متکبر است، زیرا جبار است و زیرا با اسلام مخالف است. یا استقلال ملت ما و ملت‌های مستضعف مخالف

حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزودند: «باز هم با آمریکا می‌جنگیم. زیرا آمریکا ظالم است، زیرا متکبر است، زیرا جبار است و زیرا با اسلام مخالف است. یا استقلال ملت ما و ملت‌های مستضعف مخالف

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، سپس در مورد خصایصی که حکومت ریگان خواهد داشت، گفت: «مشاور رئیس‌جمهور جدید آمریکا، رئیس سابق دستگاه مخوف جاسوسی قتاله سیاه است و این برای رسولی این حکومت کافی است. علنا طرفدار نژاد پرستی است. علنا طرفدار صیونیسم است. علنا طرفدار تقویت قدرتهای متروزی مینوس و منفور ملت‌هاست. این سیاستی است که دولت آمریکا را با شکست قطعی و حتی مواجه خواهد کرد. وی سپس بعنوان نتیجه‌گیری گفت: «در رابطه با دشمن و جریان باطل و شر که ما با او روبرو و در حال مبارزه‌ایم، وضع هیچ فرق نکرده است... ما باید با اعتماد قوه، یا آمادگی‌های کافی این دشمنان خدا و شیطان بزرگ و دشمن خدا را پترسانیم».

## حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس بطور مشروح در مورد ارتش و نقش آن در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن سخن گفت: وی از جمله گفت: «ارتش یکی از نیروهائی است که باید در مقابله با قدرت، آنرا داشته باشیم. وی سپس به سخنان امام در مورد ارتش اشاره کرد و گفت: «امام اعلام کردند ارتش نباید منحل بشود، ارتش باید منسجم بشود و ارتش باید جهت و هدایت پیدا

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس بطور مشروح در مورد ارتش و نقش آن در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن سخن گفت: وی از جمله گفت: «ارتش یکی از نیروهائی است که باید در مقابله با قدرت، آنرا داشته باشیم. وی سپس به سخنان امام در مورد ارتش اشاره کرد و گفت: «امام اعلام کردند ارتش نباید منحل بشود، ارتش باید منسجم بشود و ارتش باید جهت و هدایت پیدا

## دولت اتیوپی، سومالی، با پشتیبانی آمریکا، تشنج را در منطقه اتریش می‌دهد

دولت اتیوپی در نامه‌ای به سازمان ملل متحد اعلام کرد که رژیم سومالی در مقابل واگذاری خاک سومالی به امپریالیسم آمریکا، سلاحهای مدرن دریافت می‌کند. دولت اتیوپی تأکید کرد که رژیم سومالی تلاش دارد تشنج را در منطقه اتریش دهد و تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه را به خطر انداخته است. رژیم سومالی با عدمستی قدرتهای غربی و رژیمهای مرتجع عرب به سرزمین اوکادنه که متعلق به اتیوپی است، چشم طمع دوخته است.

کند و ارتش باید با مردم یگانه و همراه بشود، مخلوط با مردم بشود. حجت‌الاسلام خامنه‌ای افزود: «البته ارتش مانند هر ارگان دیگری که در دوران فرهنگ مادی فاسد طاغوتی گذشته شکل گرفته بود احتیاج به خانه‌تکانی داشت. این خانه‌تکانی را هم کردند. در ارتش عناصر مومن میدان عمل و فعالیت پیدا کردند. امروز هم همان حرف روز اول هست. یعنی ارتش باید انسجام بیشتری پیدا کند با مردم ارتباطش را با یکان و صمیمانه و برادرانه باشد و بماند... عناصر مومن در ارتش بیارند. عناصر آماده و مخلص بیارند».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس ضمن اشاره به جانبازیهای بی شماری که بوسیله هفتصنصر سرزده جوانان رزمنده فناکار سپاه پاسدار انقلاب در صحنه‌های نبرد با متجاوزین صدامی انجام می‌گیرد، در رابطه با وضع جبهه‌ها توضیحاتی داد. وی از جمله درباره وضع آبادان گفت: موضع آبادان از آنجمله تا این جمعی که من با شما حرف می‌زنم بخاطر همین حماسه آفرینی‌ها بسیار تفاوت کرده است. دشمن به جزیره سره رابطه با ارتش ما با آمریکا و آن تغییر سیاست آمریکا با تغییر مبره‌های اصلی حکومت امریکاست. کاری می‌رود کس دیگری بجای او می‌آید. از نظر ملت ایران آمریکا و امپریالیسم و استکبار و ظلم و قدرت‌شیطانی و شیطان بزرگ فرقی میان کاری و ریگان نمی‌گذارد. آمریکا با انتخاب مجددی که در دستگاه حکومتش انجام گرفته به پایان قدرتش نزدیکتر شد. البته سیاستهای کنونی این دو حزب در آمریکا یکسان است. این هر دو حزب بر اساس توسعه امپراطوری اقتصادی و سیاسی آمریکا هر دو فعالیت می‌کنند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، سپس در مورد خصایصی که حکومت ریگان خواهد داشت، گفت: «مشاور رئیس‌جمهور جدید آمریکا، رئیس سابق دستگاه مخوف جاسوسی قتاله سیاه است و این برای رسولی این حکومت کافی است. علنا طرفدار نژاد پرستی است. علنا طرفدار صیونیسم است. علنا طرفدار تقویت قدرتهای متروزی مینوس و منفور ملت‌هاست. این سیاستی است که دولت آمریکا را با شکست قطعی و حتی مواجه خواهد کرد. وی سپس بعنوان نتیجه‌گیری گفت: «در رابطه با دشمن و جریان باطل و شر که ما با او روبرو و در حال مبارزه‌ایم، وضع هیچ فرق نکرده است... ما باید با اعتماد قوه، یا آمادگی‌های کافی این دشمنان خدا و شیطان بزرگ و دشمن خدا را پترسانیم».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس بطور مشروح در مورد ارتش و نقش آن در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن سخن گفت: وی از جمله گفت: «ارتش یکی از نیروهائی است که باید در مقابله با قدرت، آنرا داشته باشیم. وی سپس به سخنان امام در مورد ارتش اشاره کرد و گفت: «امام اعلام کردند ارتش نباید منحل بشود، ارتش باید منسجم بشود و ارتش باید جهت و هدایت پیدا

# انقلاب اکتبر و ایران

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، که ۶۳ سال از پیروزی آن گذشت، گرچه در نگاه اول رویداد مربوط به کشور مشخصی بود، لکن در حقیقت تحولی بود در تاریخ سراسر جهان، و تحولی بر نظریه و بیانشده بود.

انقلاب کبیر اکبر برای بار اول در تاریخ جهان انجمن نظام اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جدیدی آفرید، که همه اصول، معیارها و نهادهای راکه طی هزاران سال تاریخ جامعه بشری، بر مبنای تقسیم جامعه به طبقات استثمار کننده و استثمار کننده و بیسود ساخت و نابود ساخت و بجای آن اصول، معیارها و نهادهای مبتنی بر آزادی انسان زحمتکش، برابری خلفها و کشورهای دوستی و برابری میان آنها برقرار کرد. هر خلتی و هر کشوری در دنیا بنوعی از تاثیر حیات بخش انقلاب اکبر بهره مند شد و میهن ما ایران نیز از این تاثیر سهمی بیسزا برد.

\*\*\*

میهن ما ایران از قریب دوستور اندی سال پیش، یعنی از دوران حکومت زندیه، با نوساناتی، ولی هر بار پیش از بار پیش، در دام استثمار انگلیس و فرانسه و روسیه تزاری و دیگر استثمارگران گرفتار میشد. این روند نکتتبار بجای رسید که در اوایل قرن بیستم میلادی، ایران تقریباً به مستعمر تبدیل گشته بود. حاکمیت طبقات اشراف فئودال و خنهایی، که حکومت قاجاریه نماینده آنها بود، خیانت و فساد این طبقات و این حکومت، که جز آتشی در دست استثمار انگلیس و استبداد تزاری چیز دیگری نبود، ایران را در مذلت باقرتین آوار تاریخ خود قرار داده بود. اصولاً سارتبیلاری کابینولاسیون که در قرن ۱۹ میلادی بر اساس اصل کامله الولاد مرتبا گسترش یافته بود، چیزی از استقلال ایران بقی نگذاشت. بویژه از زمان ۱۹۰۷ ششده

میان دولت استعماری انگلیس و دولتی روسیه درباره تقسیم ایران به مناطق نفوذ این دو دولت استعماری و غارتگری، داشت خط زوال پر وجود ایران یعنی یک دولت مستقل و واحدی کشید. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، برهبری حزب کمونیست و پیشوایی و ای. لینن، با سرنگون ساختن دولت سرمایه داری - سلاکی و استعماری - امپریالیستی تزاری و با برقرار کردن دولت سوسیالیستی کارگران و دهقانان و منهد ساختن همه اصول و سیاستها و نهادهای جایزانه و قدرنامه رهنزانه امپریالیستی در روسیه، در واقع بیدار کشور ما نیز رسید و میهن ما را نیز از خطر زوال محتوم نجات داد.

اولین خیر و برکت این انقلاب عظیم برای کشور ما این شد که یکی از دوطرف امضاء کننده قرارداد تقسیم ایران، یعنی حکومت استعماری - امپریالیستی تزاری را ازین برده، یعنی قرارداد نامبرده را بگور سپرد. بجلای حکومت تزاری حکومت جدیدی - حکومت سوسیالیستی کارگران و دهقانان را در همسایگی ما بوجود آورد که در همه ادوار تاریخ خود مدافع استقلال و آزادی و تمامیت ایران، مدافع اراده توده های زحمتکش و محروم ایران و پشتیبان همه جنبشهای انقلابی ضد استعماری و ضد امپریالیستی مردم ایران بوده و هست.

از نخستین اعلامیه های دولت نوزاد شوروی درباره تخریب ایران از نیروهای روسیه در سال ۱۹۱۷ و اعلام انزای قرارداد منفور در پاره تقسیم ایران و استرداد کلیه ثروتهای املاک و موسسات استعماری تزاری و اتیاع حکومت تزاری در ایران بخود مردم ایران (طبق قرارداد ۱۹۲۱) و تضمین استقلال و تمامیت ایران و سپس کمک به تقویت اقتصاد ملی ایران در برابر نفوذ و سلطه سرمایه های امپریالیستی و همکاری در پیدایش و رشد موسسات اقتصادی دولتی در ایران، بر سبب شناختن حقی ایران در مورد تعیین تعرفه آزاد گمرکی، بر سبب شناختن انحصار دولتی بازرگانی خارجی ایران، فراهم نمودن شرایط برای الهای رژیم کابینولاسیون در ایران و پیشقدم شدن در این امر و ... تا ایجاد نخستین

موسسات بزرگ صنعتی بنیادی در ایران (از قبیل کارخانه های ذوب آهن و شین - سزی و غیره) و بالاخره دفاع بی دریغ از همه جنبشهای آسپیل و انقلابی مردم ایران و پشتیبانی قاطع از انقلاب شکوهمند ایران و جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدها و توطئه ها و خطرات تجاوز مستقیم آمریکا و هندستان، - سراسر تاریخ سیاست شوروی درباره ایران در ۶۳ سال پس از انقلاب اکبر، شاهد درخشان صداقت اتحاد شوروی با اصول انقلاب، به اثر - ناسیونالیسم پیروتری، به ارمان برابری و دوستی خلفا در نمونه مشخص میهن عزیز ما بوده است.

شناخت انقلاب کبیر اکبر، درک ماهیت سوسیالیسم، توانائی دیدن واقعیت های تاریخ گذشته و امروز کشور بزرگ همسایه شمالی ما برای انقلاب ما و جمهوری اسلامی آزاد و مستقل ما دارای اهمیت بی مراتب بزرگتر از آنست که بتوان در این مختصر آنرا شرح و توضیح داد. در کمال تأسف باید بگوئیم که در یک دوران طولانی بیش از نیم قرن، رژیم پهلوی، ادارات تبلیغاتی، آموزش و پرورش و مراکز اطلاعاتی، امنیت و جاسوسی پهلوی، دستگاههای جاسوسی فلیس جنوب و بعد شرکت نفت جنوب و بعد کنسرسیوم نفت و مراکز تبلیغاتی ایتالیایی سرویس و سیا و موساد و ساواک و محافظ ارتشی و پلیسی و زاندارمری شاهنشاهی، و عظام السلاطین و در بیست - سی سال اخیر گروهکهای تروریستی و انفجاری و متویشی و انواع تریجه های پوک دیگر، پادستگاه عظیم و هول فراوان و امکانات شگرف مالی و سیاسی خود در کشور ما، در میان مردم سده، در میان روشنفکران و روحانیان، در ادارات کشوری و لشکری، در مسجد و بازار و مدرسه و دانشگاه تبلیغ ضد شوروی کرده اند، چه دامستانها که بهم نباله اند، چه ابطال که تحویل مردم نداده اند. کوهی دروغ، بیپتان، افترا و گمراهی در مورد اینکه اولاً لنین و جاسوس آلمان بود و آمده بود روسیه را بسودالمان نابود سازد و ثانیاً انقلاب اکبر برای محو شخصیت انسان، فتابودی دین و ایمان، بپایمال کردن عصمت و ناموس، دبلمیند خلفا و

کشورها و غیره و غیره بوده است و ثالث - حکومت بلشویکها هرچه بگوید «دروغ است» و هر کاری بکنند محیله است. میداد، مبدا یاور کشید و «در داش بیقیته!» و انواع «هتدرا» در ایمن زمینه ها...

تأسف عمیق تر از اینست که رسوبات این تبلیغات سرآید دروغ و باطل پنجاه سال گذشته بر عقول و قلوب بسیاری از افراد صدیق کشور ما بقدری ضخیم و سخت است که حتی پس از پیروزی انقلاب شکوهمند و سرنگونی رژیم ضد نشاننده امپریالیسم و استقرار رژیم ضد امپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی ایران هم هنوز برجای خود باقی است. کسانی، حتی قبول ندارند که کشور همسایه شمالی ما اسمش اتحاد شوروی است و نه «روسیه» و برخلاف همه واقعیتها و اصول و قواعد، که باید هر کسی را بنامی صدا کنند که بعد از تولد بهوی داده اند، باز هم در نهایت اصرار میگویند: «روسیه»!

و اشکال تنها بر سر دست نامیدن همسایه شمالی نیست، بلکه بزرگترین اشکال در این است که عده ای بیگانه، گرفتار در دام مقولات تبلیغاتی دوران طلوت، کماکان فورمولهای ضد شوروی و ضد سوسیالیستی دوران طلوت را تکرار می کنند و عده ای آگاهانه باین گرفتاروا دامن میزنند. نتیجه همه این جریانها این میشود که کشور آزاد و ازین رسته ما در مقابل توطئه ها و تجاوزات و خصومت های حیوانی امپریالیسم جهانی، بسر کردگر آمریکا، نمیتواند از صمیمی ترین دوستی و مدافع صدیق و بغل و قش خود، منظور که لازم و شایسته است، استفاده کند و در اسارت فورمولهایی که بدست ماوران امپریالیسم وارد مقولات سیاسی رایج کشور ما شده، قرار میگیرد. نتیجه نهائی این جریان ساگر توفیق حاصل گشت این میشود که، دخل برزیسکی، بکرسی مرتشید و ایران انقلابی بدست خود، خود را از بزرگترین مدافعان در سطح جهانی محروم میزند. برای تصور اهمیت انقلاب اکبر یک دقیقه تصور کنید که اگر همان حکومت تزاری امروز باقی بود، وضع کشور ما چگونه بود و تصور کنید که اگر آمریکای خونخوار یقین حاصل

کند که ایران انقلابی واقعا تنها و بی یار و بی کسی است، چه یلانی بر سر کشور ما خواهد یارید

ما یک بار پیش نهاد کرده ایم و بار دیگر بر پایه صداقت به میهن انقلابی خود ایران و جمهوری اسلامی ایران پیش نهاد خود را تکرار می کنیم که:

**هیئت بعنوان هیئت حسنیت و دوستی هر یک از روحانیان مبارز، علمای متعهد، نمایندگان دیگر ائتلاف میهن - دوست کشور برای شناخت اتحاد شوروی و سوسیالیسم بکشور همسایه اتزا میشوند. این هیئت خوشی بطور مستقیم در پوست تولیدی مراکز فرهنگی و آموزشی، مراکز دینی و تبلیغاتی، در میان خانواده ها و منازل و در هر جای دیگر شوروی که این هیئت مر خواهد، به بررسی واقعیت های کشورهای پر دانه، هراتبه را که لازم دانست از نزدیک و بچشم خود مشاهده کند و پس از مراجعت به ایران، دوباره آنچه در شوروی دیده و به صحت آن یاور کرده، به رهبران جمهوری اسلامی ایران و مردم ایران گزارش بدهد.**

ما حق نداریم چشم خود را در اسارت تبلیغاتی نیم قرنی رژیم پهلوی قرار دهیم و یک واقعیت بزرگ تاریخی را، که جهان جور و ستم را زیر وزیر کرده، همچنان نادیده بگیریم. پس از ۶۳ سال هم که شده، بالاخره مردم ایران باید بدانند که در خانه همسایه واقعاً چه رخ داده و کازش بکجا کشیده است.

در داخل کشور باید خلق را از ضد خلق، انقلاب را از ضد انقلاب تشخیص دهیم. در عرصه جهانی هم باید به برون کمترین پیشداوری، دوست انقلاب و دشمن انقلاب را از هم بازشناسیم. یکنه چنین مرز بندی اصولی و قاطع یکی از شرایط صده بیست و یک قرن است. انقلاب و تحکیم و پیشروی جمهوری اسلامی ایران در مسیر حق و عادلانه خویش است.

ما اطمینان داریم که دوستی خلفا و دولتهای ایران و شوروی، بر اساس احترام به استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی، مناسبات برابری حقوق و پاسود متقابل، تحکیم خواهد شد و گسترش خواهد یافت.

**نامه مردم**  
آنگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بیزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**

No. 365  
8 November 1980

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۳۵۹، منطقه ۱۴ پستی تهران

## هشدار سازمان حزب توده ایران در مهاباد درباره فعالیت عوامل ضد انقلاب

حزب توده ایران - سازمان مهیاد روز ۹ آبان یا انتشار اعلامیه ای در مورد فعالیت عوامل ضد انقلاب در این منطقه به اهالی مهیاد هشدار داد.

در این اعلامیه می خوانیم:

مردم پرزنده و صلحدوست مهیاد: در شرایطی که آثار شوم درگیری اخیر در شهرمان باقی است و مردم از عوارض ناشی از آن، رنج می برند، عوامل ضد انقلاب و جنگ افروز، که در راه دستیابی به اهداف شوم آربابان خویش از هیچ جنایتی رویگردان نیستند، درصددند جنگ دیگری را به مردم صلحدوست مهیاد تحمیل کننند. با سرقراردادن زانو کودکان و سنگر گرفتن درخانه های مردم، شهرمان را بار دیگر به آتش و خون بکشاند. عوامل ضد انقلاب در چند روز اخیر با شایعه رانگی، ترور و ایجاد جوی مسموم و منتشر و سازمان دادن نیروهای خود، سعی در ایجاد درگیری مجدد دارند. به دنبال حمله نظامی رژیم جنایتکار بعث عراق و در پی شکست توطئه های امپریالیسم

امریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، عوامل ضد انقلاب و جنگ افروز در کردستان در صددند که با بوجود آوردن درگیری در شهرهای کردستان از یک طرف با ایجاد صدی کاذب بین خلق مستبدینه کرد و انقلاب ایران، وحدت خلفای میهنمان را در میاززه یا امپریالیسم آمریکا و رژیم غدار بعث عراق خنشه دار سازند و از سوی دیگر، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در داخل کردستان سرگرم و موجدات پیشروی نیرو-

های تجاوزگر عراق را فراهم سازند.

ما از تمام شهروان آگاه و نیروهای انقلابی و وقادار به جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که در مقابل این توطئه های ضد انقلابی، که از جانب عوامل امپریالیسم و بعث عراق سازمان داده می شود، هوشیاری انقلابی خود را حفظ و یا افتا و طرد جنگ افروزان از صلح و آرامش در شهر پاسداری کنند.

**آمادگی کارکنان سازمان آب منطقه ای برای دفاع از میهن انقلابی**

کانون مستقل کارکنان سازمان آب منطقه ای تهران، ضمن نامه ای به ستاد بسیج مستضعفین آمادگی اضای خود را برای دفاع از میهن اعلام کرد. در این نامه با اشاره به تقاضای قبل این کتون بسیجی

بر آموزش نظامی کارکنان سازمان آب منطقه ای تهران، از ستاد بسیج مستضعفین خواسته شده است تا در جهت آموزش نظامی امضاء این کتون اقدام لازم را به عمل آورد.

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم**

**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است**

تایش ۵۰۰۰۰ ریال  
میانه ۱۵۰۰ ریال  
سایر ۲۵۰۰ ریال  
پست از لندن ۲۰۰۰۰ ریال  
کلسرخی از هامبورگ ۴۰۰۰۰ ریال  
همر رفیق محمد تعدادی سکه طلا و تعدادی گوشواره و آویزه طلا  
کارگران انتشارات یک ایران ۱۵۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانک به نام قری کرمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسمعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی پر دانه.